

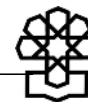
بررسی مسئله قانون و قانونگذاری

(با محوریت اندیشه امام خمینی (ره))

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۳	فصل اول - کلیات
۴	۱. معنای لغوی قانون
۶	۲. معنای اصطلاحی قانون
۹	۳. قانون و قانونگذاری در اسلام
۱۲	فصل دوم - مسئله قانون و قانونگذاری
۱۳	۱. مفهوم و ماهیت قانون در دیدگاه امام خمینی (ره)
۱۵	۲. تطابق قانون الهی با فطرت
۳۰	فصل سوم - امام (ره) و قوای قانونگذاری
۳۰	۱. مجلس شورای اسلامی
۳۲	۲. شورای نگهبان
۳۵	۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام
۳۶	راهکارهای عمومی قانونگذاری از نظر امام (ره)
۳۶	نتیجه‌گیری
۳۸	منابع و مأخذ



بررسی مسئله قانون و قانونگذاری (با محوریت اندیشه امام خمینی (ره))

چکیده

در بررسی مسئله قانون و قانونگذاری تلاش بر این است که با مقایسه دیدگاه امام خمینی (ره) با دیگر رویکردها و نظریه‌ها به شناختی دقیق‌تر از این بُعد از اندیشه ایشان دست یابیم. زیرا مسئله قانونگذاری و تعیین مرجع این حق، از موضوعات بحث‌برانگیز در کشور بوده است. گزارش حاضر از آن حیث که به بررسی مبادی و مبانی این رویکرد و مقایسه آن در دیدگاه امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی می‌پردازد، درخور توجه بوده و امید است در تحلیل و گره‌گشایی این بحث چالش‌برانگیز حقوقی - سیاسی و حکومتی مؤثر واقع شود.

مقدمه

تحول بزرگ و فراگیری که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری فقیه فرهیخته زمان، امام خمینی (ره) در عرصه جهانی به‌وجود آورد، زمینه را برای ایجاد و شکل‌گیری نگرشی جدید نسبت به جهان، انسان و مناسبات گوناگون بشری در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... فراهم کرد.

انقلاب صنعتی در غرب، به‌همراه مدرنیته با رویکرد نفی کارکرد سیاسی و اجتماعی دین و انکار نقش و تأثیر کارآمدی آن در حوزه زندگی انسان، نگاه و روند زندگی او را از حیث نظر و عمل به دنیای مادی و محسوس محدود کرد. نتیجه این دیدگاه، قرار گرفتن نسبی‌گرایی به‌عنوان یکی از مبانی معرفت‌شناسی و اومانیزم به‌عنوان تکیه‌گاه انسان‌شناسی بود و در پی آن سکولاریسم و لیبرالیسم، اساس مناسبات اجتماعی و اقتصادی را شکل دادند و فلسفه سیاسی در مغرب‌زمین این‌چنین پی‌ریزی شده است.

از سویی دیگر مکتب مارکسیسم در تقابل با اندیشه فردگرایانه غرب، با شعار زندگی و اقتصاد سوسیالیستی جمع‌گرایانه به رقابت جدی با نظام سرمایه‌داری پرداخت. نقطه مشترک این دو دیدگاه، نفی دین و دینداری در زندگی انسان بود. یکی، دین را مربوط به گذشته و دوران سنت قلمداد می‌کرد

و دیگری آن را افیون ملت‌ها می‌دانست و در نتیجه بر ارتجاعی بودن آن تأکید می‌کردند.

امام خمینی (ره) در چنین فضایی، فریاد حق‌طلبانه ملت مسلمان ایران شد و التهاب عظیمی را ایجاد کرد و بار دیگر این حقیقت که ایمان و اعتقاد دینی همچنان می‌تواند برترین سکوی حرکت انسان به سوی رهایی، آزادی و عدالت‌خواهی باشد، مطرح شد.

انقلاب اسلامی ایران به جهانیان ثابت کرد که دین، نه تنها افیون ملت‌ها نیست، بلکه پیوند ناگسستنی با روح و روان بشر دارد. این حرکت با پشتوانه عظیم فکری و اعتقادی خود، نسبت به جهان، انسان و قوانین حاکم بر مناسبات و روابط اجتماعی و سیاسی آدمی، نگاهی دیگر در جهان به وجود آورد.

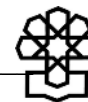
از آنجا که روابط انسانی و نظم اجتماعی بستر امنیت، آرامش، آسایش و رشد جامعه است، حکومت‌ها و نهادهای اجتماعی و قوای اجرایی در جامعه ابزاری هستند که ضرورت وجود آنها برای تحقق نظم اجتماعی در روابط انسانی بر همگان روشن است.

از نظر اعتقادی نیز ادیان الهی خود آورنده قوانین و مقرراتی هستند که از جانب پروردگار عالم برای سعادت و بهروزی افراد بشر قرار داده شده‌اند و دین مقدس اسلام نیز به روشنی از این وظایف و حقوق سخن گفته و پیامبر اکرم (ص) در جامعه به آن عمل کرده است و به صورت صریح برای انسان‌ها بیان کرده‌اند.

در برخی از جوامع، قوانین فقط در رابطه با افراد است، ولی قوانین الهی به مناسبات سیاسی حاکم بر جامعه نیز توجه داشته و همیشه اولیای دین تأکید فراوان بر رعایت حقوق، قانون، برابری و مساوات همه آحاد مردم در برابر قانون را داشته‌اند که زندگانی عملی پیامبران، ائمه اطهار (ع) و اولیای الهی گواهی بر این مطلب است. تشویق و تأکیدات فراوان بزرگان دین و بیان ثواب‌های اخروی و کیفرهای دنیوی در تخلف از قانون همه گواه این مسئله است که دین مقدس اسلام، دین قانون بوده و در این زمینه از همگان پیشی گرفته است.

امام خمینی (ره) که درس آموخته مکتب اسلام و قانون و قانونمندی است، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران مبارزه با رژیم پهلوی و پس از آن، در زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، قانونگذاری را یکی از عناصر مهم و کلیدی نظام جمهوری اسلامی دانسته و همه ارکان نظام و مسئولین را به پیروی از قانون دعوت کرد.

ایشان در کتاب ولایت فقیه می‌فرمایند: «اسلام به قانون نظر آلی دارد، یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند، وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای



اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه و به‌منظور پرورش انسان مهذب است»^۱. اینک می‌توان به اهمیت بررسی مسئله قانون از یک‌سو و شناخت منشأ و مبانی قانونگذاری در اندیشه امام خمینی (ره) ازسوی دیگر پی‌برد. در این خصوص سؤالاتی که مطرح می‌شود عبارتند از:

- قانون در دیدگاه امام خمینی (ره) دارای چه مفهوم و ماهیتی است؟

- چه رابطه‌ای بین نظام سیاسی و قانون وجود دارد؟

- چه ویژگی‌هایی برای قانون در نظر گرفته شده است؟

- چه ویژگی متمازی در قانونگذاری فقهی وجود دارد؟

- در نظر ایشان، قوای قانونگذاری از چه جایگاهی برخوردارند؟

ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش به دو بُعد عملی و نظری قابل ملاحظه است:

بُعد نظری: تبیین تئوریک اندیشه‌های سیاسی بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران درباره مسئله قانون و قانونگذاری است.

بُعد عملی: شناخت و تبیین اندیشه امام خمینی (ره) درباره مسئله قانون و قانونگذاری و تحقق عملی آن می‌باشد.

روش این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و از آنجا که دارای ماهیت مفهومی و نظری می‌باشد، منبع آن از متون اصلی و آثار امام خمینی (ره) و دیگر آثار مرتبط با موضوع انتخاب شده است. ازسویی گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای شامل کتاب، مقالات و بیانات ایشان بوده است.

این پژوهش در یک مقدمه، چهار فصل و یک نتیجه‌گیری تنظیم و ارائه شده است.

فصل اول - کلیات

پرسش از چیستی و معنای قانون،^۲ پرسشی دیرین است. این پرسش تا آنجا که به حافظه نوشتاری بشر مربوط می‌شود، یکی از مهمترین محورهای اندیشه‌ورزی و تلاش علمی او بوده است. ازسوی دیگر درآمیختگی حیات اجتماعی انسان با بحث قانون، حیات اجتماعی قانون را مطلوب ساخته و اذهان تیزبین و ژرفاندیش را بر آن داشته تا پاسخی درخور و مناسب به پرسش قانون چیست؟ ارائه بدهند.

۱. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۷۴.

۱. معنای لغوی قانون

واژه قانون، در اصل و ریشه، در میان پژوهشگران و اندیشمندان معاصر اختلاف‌نظرهای بسیاری به‌وجود آورده است. ازسویی این واژه در مکالمات روزمره و مفاهمه عمومی میان مردم بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد و مفهوم آن را ازجمله دانسته‌های مشهور و حتی معادل مفاهیم بدیهی می‌دانند، اما در واقع قانون که مقوم ذاتی مدنیت و لازمه گذار به حیات اجتماعی قلمداد می‌شود، در مقام تعریف سهل و ممتنع به‌نظر می‌رسد. ازاین‌رو دیر زمانی است که صاحب‌نظران بسیاری، وقت خود را صرف بازشناسی و فهم دقیق مفهوم قانون کرده‌اند که نتیجه آن شکل‌گیری پیشینه گسترده‌ای در این رابطه است.

عده‌ای ریشه واژه قانون را یونانی، عده دیگر رومی و دسته‌ای آن را فارسی قلمداد کرده‌اند. البته این برداشت‌ها در کنار برداشت دیگر که این واژه را سریانی و یا عربی دانسته‌اند، طیف گسترده‌ای را شکل می‌دهند.

در لغتنامه فارسی، اصل، رسم، شکل، قاعده، طریقه، ترتیب، نظم، دستور، منوال، طرز، کانون، روش، آیین، آداب و شریعت ازجمله معانی متعددی است که بر مدلول لغوی «قانون» اقامه گردیده است.^۱ برخی نیز آن را در معنای رسم، دستور، مقیاس، سؤال، طرز و... به‌کار برده‌اند.^۲ در لغتنامه دهخدا آمده: «گویند این لغت معرب کانون است و عربی نیست، لکن در عربی مستعمل است».^۳

در کتاب ترمینولوژی حقوق آمده: «گفته شده اصل آن Canon است که عبارت است از مقررات موضوعه توسط مقامات کلیسا و کلمه مزبور معرب کلمه لاتین مذکور است. به هر حال شک نیست که این کلمه در اصل عربی نیست».^۴

در بیانی دیگر آمده: «ریشه کلمه قانون، یونانی است که از راه زبان سریانی وارد زبان عربی شده است و در اصل به معنی خط‌کش به‌کار رفته و بعد به معنی قاعده برگشته و امروزه در زبان اروپایی به معنی شریعت کلیسایی استعمال می‌گردد».^۵ ازاین‌رو در فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، واژه Law را به قانون، حقوق، آیین یا قاعده کلی و شریعت ترجمه کرده‌اند.^۶ برخی از پژوهشگران و اندیشمندان معاصر عرب باور دارند که کلمه قانون از نظر ماده و

۱. علی‌اکبر نفیسی (ناظم‌الاطبا)، فرهنگ نفیسی، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۴۳، ج ۴، ذیل عنوان قانون.

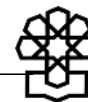
۲. ابوالقاسم گرجی، حکومت در اسلام، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۱۹۹.

۳. علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۳۹۵.

۴. محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸، چاپ چهارم، ص ۲۳۰.

۵. صبحی محمضانی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، چاپ امیرکبیر، ۱۳۸۵، چاپ دوم، ص ۱۲.

۶. مهدی نوروزی‌خیابانی، فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹.



شکل عربی است و ماده این کلمه را «قنن، قن» گرفته‌اند که به معنای دنبال کردن اخبار، جستجو و خیره شدن است و از صیغه فاعول می‌باشد. از سویی هیچ‌یک از علمای علم لغت در میان اعراب به اینکه کلمه قانون مشتق از کلمه «قنن، قن» باشد، اشاره‌ای نکرده‌اند.^۱

در زیر به دو تعریف از معنای لغوی قانون اشاره می‌شود که نسبت به تعاریف دیگر دارای جامعیت بیشتری است تا در پی آن، تعریفی جامع و مانع ارائه شود.

معنای لغوی قانون شامل «اصل»، «قاعده»، «ناموس» و «دستورات» است.

این کلمه «امری است کلی که بر همه جزئیاتش منطبق گردد و احکام جزئیات از آن شناخته شود؛ چون گفته نویان! فاعل مرفوع است و مفعول منصوب و مضاف‌الیه مجرور. [همچنین به معنای] حکم اجباری [است] که از دستگاه حکومت مقتدر مملکتی صدور یابد و مبنی و متکی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با طبیعت انسان باشد و بدون استثنا شامل همه افراد مردم آن مملکت گردد و اغراض مستبدانه اشخاص را در آن دخالتی نباشد».^۲

همچنین در کتاب تاج‌العروس گفته شده: «مقیاس و معیار هر چیز... امری کلی که بر جزئیاتش منطبق شود و احکام جزئیات از آن دانسته شود، مثل سخن نویان که فاعل مرفوع است، مفعول منصوب».^۳

بر اساس آنچه گفته شد واژه قانون در دو معنا به کار گرفته می‌شود:

الف) اعتباری، وضعی و قراردادی: که مفاد آن صراحتاً یا الزاماً دلالت بر امری یا نهی دارد.^۴

ب) حقیقی و تکوینی: حکایت از یک ارتباط نفس‌الامری دارد که با اعتبار، وضع و قرارداد سروکاری ندارد.^۵

همان‌طور که گفته شد معنای دوم که اشاره بر قوانین تکوینی حاکم بر طبیعت دارد، کمتر در مباحث اجتماعی مورد توجه واقع می‌شود. در مقابل معنای وضعی و اعتباری قانون بیشتر موضوع و محور مباحث عمومی و اجتماعی می‌باشد. اگر خواسته شود که تعریف دقیق‌تری از قانون وضعی ارائه شود، می‌توان گفت: «قاعده‌ای حقوقی است که توسط مقام صاحب صلاحیت برای تنظیم رفتار مردم در جامعه تنظیم شده و نقض آن، مستوجب اعمال ضمانت‌های اجرایی توسط دولت می‌باشد».^۶

۱. ابراهیم شفیعی‌سروستانی، فقه و قانونگذاری در اسلام، قم، انتشارات طه، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۲۹.

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۳۹۵.

۳. محمد مرتضی الزبیدی الحنفی، تاج‌العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۸، ص ۴۶۶.

۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶، ج ۶، صص ۳۹۳-۳۹۴.

۵. محمد تقی مصباح‌یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴.

۶. ابوالقاسم گرگی، مقالات حقوقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، جلد ۲، ص ۲۷۳.

۲. معنای اصطلاحی قانون

تعریف قانون در معنای اصطلاحی به مراتب دشوارتر و دارای پیچیدگی مضاعف‌تر نسبت به معنای لغوی است. در این رابطه برخی مدعی شدند که مفهوم قانون و قانونگذاری، مفهومی تفسیربردار است. مفهوم قانون، مفهومی نظری و به همین دلیل مفهومی اختلافی است.^۱ از سوی دیگر، قانون در جوامعی که صرفاً به وسیله افراد اعتبار و مشروعیت می‌یابد (جوامع با حاکمیت غیردینی) با قانون در جوامعی که بر مبنای دین، تدبیر می‌گردد، تفاوت جوهری و اساسی دارد.

سؤال مهم این است که آیا در جوامع دینی و به ویژه اسلامی می‌توان قانونی را وضع کرد؟ مفهوم قانون در جامعه اسلامی، خود معانی گوناگونی را پذیرفته است که حوزه‌های هر یک با هم تفاوت دارند.

مفهوم اصطلاحی قانون را می‌توان در دو معنای عام و خاص مورد بررسی قرار داد. در کتاب «ترمینولوژی حقوق» در مورد تعریف اصطلاحی قانون آمده: «قانون در اصطلاحات ذیل به کار رفته است (حقوق اساسی):

الف) دستور کلی (و گاهی جزئی) که به وسیله مرجع صالح انشا شده و به وسیله مجالس قانونگذاری تصویب و سپس توشیح مرجع صلاحیتدار برسد.

ب) در معنی اعم، شامل مجموعه قواعد حقوقی است که به وسیله قانونگذار مقرر می‌شود.^۲ قانون، دو معنای عام و خاص دارد. معنای عام قانون در مقابل عرف قرار گرفته و شامل تمامی مقرراتی می‌شود که توسط نهادها و سازمان‌های دولتی وضع شده است. یعنی قانون، مجموعه قراردادهای اجتماعی است که برای ساختار امور عامه تنظیم می‌شود.^۳ در تشریح این تعریف می‌توان گفت که قانون به قضایایی گفته می‌شود که شیوه رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعریف می‌کند و مفاد آن به طور تلویحی یا تصریحی این است که انسان باید چنین کند و چنان نکند و یا حقی را برای مردم تعیین می‌کند، البته باید‌ها و نبایدها در آن لازم است و دیگران باید این حق را برای چنین کسی رعایت کرده و تجاوزی به این حقوق نکنند.^۴

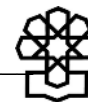
اعتبار قانون به ضمانت اجرای آن بسته است. تفاوت قانون با دیگر هنجارهای رفتاری در این است که عدم پیروی از آن عکس‌العمل دستگاه حکومتی را به دنبال دارد و بدین نحو حکومت، اجرای قاعده حقوق را تضمین می‌کند. با این نگاه چنانچه محرک و انگیزه اطاعت از یک امر یا دستور، خود عمل امر

۱. محمد راسخ، بنیاد نظری اصطلاح نظام قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۱۱.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۵۱۷.

۳. عبدالله جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۴، ص ۴۴.

۴. محمدتقی مصباح یزدی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، چاپ اول، ص ۲۹.



شده باشد، آن را قانون اخلاقی می‌نامند. اگر محرک و انگیزه اطاعت از فعل امر شده، محرک دیگری غیر از فعل مزبور باشد (مثل ترس از ضمانت اجرای مقرر)، قانون را حقوقی می‌نامند.^۱

ضرورت وجود ضمانت اجرا برای یک قانون به حدی است که فائین به حقوق طبیعی نیز به نحوی سعی در توجیه وجود ضمانت اجرا برای قوانین طبیعی داشته‌اند، البته قواعد حقوقی به فشارهای بیرونی اجتماعی متکی هستند، گرچه افراد نسبت به آن قواعد می‌توانند یک نوع التزام درونی داشته باشند و به آن دیدگاه درونی اتکا کنند. براین اساس لازم نیست که همه اتباع یک نظام حقوقی از یک دیدگاه درونی به محتوای قوانین بنگرند.^۲

قانون، در معنای اصطلاحی خاص عبارت از مقرراتی است که فقط از طرف قوه مقننه کشور وضع شده است. یعنی، قانون در معنای خاص همان قانون در معنای عام است که مرجع صالح در تشریح و وضع آن مجالس یا پارلمان‌های قانونگذاری قلمداد شده است. از این رو قانون، حکمی عام و عینی است که توسط مجلس مقننه یا مجلس مؤسسان وضع شده است. بنابراین تصویبنامه و نظامنامه‌های وزارتی که توسط قوه مجریه مقرر می‌شود، در ردیف قانون قرار نمی‌گیرند.^۳

در تبیین این نکته گفته شده: «وقتی در منابع حقوقی از قانون سخن گفته می‌شود و این منبع در برابر عرف به کار می‌رود، مقصود تمام مقرراتی است که از طرف یکی از سازمان‌های صالح دولت وضع شده است، خواه این سازمان قوه مقننه یا رئیس دولت یا یکی از اعضای قوه مجریه باشد...»

پس در این معنی عام، قانون شامل تمام مصوبات مجلس و تصویبنامه‌ها و بخشنامه‌های اداری نیز می‌شود، ولی در اصطلاح حقوق اساسی ما، قانون به قواعدی گفته می‌شود که با تشریفات مقرر در قانون اساسی از طرف مجلس شورای اسلامی وضع شده است، یا از راه همه‌پرسی به‌طور مستقیم به تصویب می‌رسد (اصول پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم قانون اساسی) یعنی قانون مفهوم ویژه‌ای دارد که با تصمیم‌های قوه مجریه متفاوت است و آنها را نباید بجای هم استعمال کرد.^۴

برخی از صاحب‌نظران در علم حقوق میان مفهوم سیاسی قانون و مفهوم عقلی آن تفاوت قائل شده‌اند. نویمان می‌نویسد: «به مفهوم سیاسی، هر تصمیم حاکم، صرف‌نظر از ماده و محتوای آن، قانون است. این مفهوم قانون، منحصرأ بر پایه منشأ تکوین آن تعریف می‌شود. قانون چیزی نیست

۱. کانت راجر اسکروتن، ترجمه علی پایا، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵، صص ۱۷۱-۱۷۲.

۲. ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، آگاه، ۱۳۸۰، صص ۱۸۷-۱۸۸، ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۴۲ و شارل دو منتسکیو، روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۰، صص ۸۱۴-۸۱۵.

۳. جعفر لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۹۵.

۴. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۳، ص ۱۲۲.

مگر اراده (Voluntas). هر نظریه‌ای که این مفهوم سیاسی قانون را بپذیرد، نامش نظریه‌ای (تصمیمی) است. اما افزون بر این، مفهوم عقلی قانون نیز هست که پایه‌اش ماده و محتوای قانون است، نه منشأ آن و می‌گوید نه هر تصمیم قدرت حاکم، قانون است و نه صرفاً تصمیمات او؛ قانون در اینجا قاعده‌ای معقول است، متضمن یکی از اصول اخلاقی (معمولاً اصل مساوات). در این نظریه قانون - به خصوص وقتی به صورت نظریه قانون طبیعی درآید - گفته می‌شود که قانون مادتهاً می‌تواند بی‌آنکه به اراده حکمران مرجوع شود، وجود داشته باشد. امروزه این دو مفهوم قانون کاملاً تفکیک می‌شوند.^۱

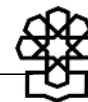
قانون به مفهوم معقول، قسمتی از یک جامعه عقلایی به حساب می‌آید که موجب تأمین امنیت فرد و مشخص کردن جایگاه او در جامعه می‌شود. فرد در پرتو چنین قانونی متوجه می‌شود که مجوز انجام چه کارهایی را داشته و چه کارهایی را می‌تواند بدون اینکه مورد مجازات قرار گیرد، انجام دهد و یا اگر مرتکب خطایی معین گردد، چه مجازاتی در انتظارش خواهد بود. یعنی درواقع قانون، قاعده موجود میان شهروندان است. زمانی که قانون توجیه‌کننده رابطه بین شهروندان نباشد، غیرقابل شناخت و متزلزل خواهد بود.

در نظر حقوقدانان، هدف نهایی قانون و استقرار آن در جامعه دستیابی و برقراری عدالت است که نتیجه آن ایجاد نظم و امنیت می‌باشد. ازسوی دیگر، وجود نظم، از نیازهای اساسی جامعه انسانی است. در این صورت انسان با دادن اختیار و آزادی خود و با رفتن زیر بار اقتدار حکومت، خواهان برقراری نظم و امنیت در جامعه می‌شود. از این رو جامعه منظم، جامعه‌ای است که تمامی اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن در جای خود قرار داشته و از پی آن باریقه‌ای از عدالت نمایان شود. زیرا با برقراری قانون، تساوی افراد جامعه در برابر قانون برقرار شده و همه در برابر آن یکسان می‌باشند. ازسویی تساوی را می‌توان جوهر عدالت دانست. در این حالت چنانچه جوهر عدالت ماهوی نباشد، صوری خواهد بود و در نتیجه عدالت به نحو متعالی آن محقق نخواهد شد. درواقع شعار قانون‌گرایی، شکلی از آرمان قانونگذاری است که جنبه مقدماتی دارد و هدف نهایی آن اجرای عدالت در جامعه است.

فولر، در بحث قانونگذاری هشت عامل را مورد توجه قرار داده که عبارتند از: قانون به میزان کافی عمومیت داشته باشد، به صورت عمومی انتشار یابد، ناظر به آینده باشد، شفاف باشد، قابل فهم باشد، خالی از تناقض‌ها باشد، به میزان کافی پایدار باشد و در نهایت قابل تبعیت باشد.^۲

۱. فرانتس نویمان، آزادی و قدرت و قانون، عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳، چاپ اول، ص ۷۱.

2. Stewart, Cameron, the rule of law and the tinkrbell effect: theoretical considerations, criticisms and justifications for the rule of law, Macquarie law journal, Vol 4. 2004, p. 135.



هرچند برخی نظریه فولر را پذیرفته‌اند، ولی این نظریه با نقدهایی نیز همراه بوده است:
الف) دیدگاه فولر همه ضرورت‌های لازم برای شناسایی یک گزاره قانونی را به‌عنوان قانون پوشش نمی‌دهد.

ب) برخی از این اوصاف برشمرده شده مفهومی نسبتاً یکسان دارند. به همین دلیل تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز مطرح شده است.

برخی از علمای حقوق، ویژگی‌های قانون را به سه ویژگی اصلی تقلیل داده و معتقدند برای اینکه حکم و امری به‌صورت قانون درآید، باید دارای سه ویژگی اصلی باشد که این ویژگی‌ها عبارتند از: «عام و شامل» بودن، «روشن و مشخص» بودن و در نهایت «عطف به‌ماسبق نشدن» قانون.

از این رو نویمان می‌نویسد: «در توصیف قانون، سه عنصر دخیل است: قانون باید به نحو عام صورت‌بندی شود؛ شمول آن باید مشخص باشد و قانون نباید عطف به‌ماسبق کند».^۱

این ویژگی‌ها، نتیجه منطقی و شمول قانون است. از سویی قانون عام، حکم شرطی درباره اعمال و رفتار آینده انسان و قاعده‌ای ناظر بر موارد مشخص و نامحدود است. در واقع مسئله مردود بودن عطف به‌ماسبق قانون، تضمین دیگری از لحاظ آزادی و امنیت خواهد بود.

در تقسیم‌بندی دیگری که برای اصلاح نظام قانونگذاری ارائه شده به اموری مانند: آمرانه بودن، الزام‌آور بودن، عام بودن، ناظر به آینده بودن، علنی بودن، قطعیت حقوقی داشتن، قابل انجام بودن، واضح بودن قانون اشاره شده است.^۲

۳. قانون و قانونگذاری در اسلام

تجربه تاریخ انسانی نشان داده که قوانین وضعی او هرگز نتوانسته، جامعه‌ای قانون‌مدار و بی‌عیب و نقص ایجاد کند. شاید علت آن ناشی از نادانی او نسبت به وضع خود و جنبه‌های مختلف زندگی انسان است. شناخت متعارف انسان‌ها که از حس و عقل به‌دست می‌آید، هرچند توانایی شناخت برخی امور دنیوی را دارد، اما برای شناخت راه کمال و سعادت حقیقی در همه ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و آخروی او کافی نیست. اگر بشر بخواهد منافع و مصالح همه‌جانبه خود را به‌ویژه بُعد آخروی را در وضع قوانین در نظر بگیرد، از توانایی ادراکات بشری، عقل و تجربه او بیرون است.

این استدلال، صورت ساده‌ای از استدلال اثبات نبوت و نیاز به وحی در اسلام است.^۳ زیرا

۱. فرانتس نویمان، آزادی و قدرت و قانون، ص ۱۳۳.

۲. محمد راسخ، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴، چاپ اول.

۳. سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان (جلد دوم)، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵.

قوانین الهی از علم بی‌انتهای ربوبی سرچشمه می‌گیرند. در قوانین الهی، ارتباط میان خلقت انسان و علم پروردگار به رازها و خواسته‌های او مطرح است. بنابراین تنها قوانین الهی حجیت دارند.^۱ علاوه بر نارسایی دانش بشر برای وضع قانون مطلوب، کاستی دیگری مانند اغراض، امیال و وابستگی‌های قانونگذار متوجه قوانین اوست. این امر باعث می‌شود به‌جای تأمین حق و عدالت، منافع فرد و گروه خاصی در نظر گرفته شود.

در باور دینی و اسلامی فقط خداست که در وضع قانون، هیچ نفع و یا ضرری متوجه او نیست. او بی‌نیاز مطلق است و محال است در وضع قانون و تشریح دین، سود و زیان خود را ملاحظه کند.^۲ بر این مبنا، قوانین وضع شده از سوی خداوند قابل اعتماد بوده و در جهت برقراری عدالت قرار دارد.

از دیگر ویژگی‌های مهم قوانین الهی، پیوند آن با اخلاق است. زیرا جامعه‌ای که به مراقبت نیاز داشته باشد، مبتنی بر نیروی اخلاق و تعهد فردی و جمعی است. به تعبیر قرآن، انسان با خداوند چنان یگانه است که فراموشی خود، ملازم با فراموش کردن خداوند متعال می‌باشد.^۳ از این رو بیشتر احکامی که در قرآن بیان شده یک یادآوری یا نتیجه‌گیری اخلاقی را نیز در پی دارد. مانند قصاص و روزه را با تقوا،^۴ صبح را با بی‌نیازی الهی،^۵ جهاد را با یاد خدا،^۶ اطاعت از خدا و پیامبر را با رعایت ادب و احترام^۷ و قضاوت را با عدالت پیوند می‌زند. چنین پیوندی در قوانین بشری یافت نمی‌شود. این پیوند قوی و ناگسستنی اخلاق با دین موجب می‌شود که انسان به راحتی بتواند قوانین را رعایت کند. زیرا عمل همراه با تقوا و اخلاق، تشریف به فیض لقاءالله را در پی دارد.^۸

یکی دیگر از ویژگی‌های قوانین الهی، انطباق آن با فطرت انسان است. از این رو مجموعه دین، هماهنگ با فطرت و ویژگی‌های درونی انسان است. امور فطری مشترک میان همه انسان‌ها، اموری ثابت، پایدار و فراگیر بوده، اما حقوق و قوانین بشری معمولاً موقت، نسبی، متحول و تابع مقتضیات زمان و مکان است.

در آموزه‌های دینی، مسئله حکومت دینی و مجری قانون الهی دارای اهمیت است. زیرا پاسداری از عدل، برقراری نظم و مراقبت بر اجرای عادلانه قانون در بسیاری از موارد به‌وسیله فرد

۱. انفال، آیه ۵۷، توبه، آیه ۱۱۵، عنکبوت، آیه ۶۲.

۲. ابراهیم، آیه ۸.

۳. حشر، آیه ۱۹.

۴. بقره، آیات ۱۷۹ و ۱۸۳.

۵. آل عمران، آیه ۹۷.

۶. انفال، آیه ۵.

۷. حجرات، آیات ۱ و ۲.

۸. انسان، آیه ۹.



میسر نبوده و نیاز به تشکیلات و سازمان اجتماعی آگاه و توانا داشته است. از این رو حکومتی، متناسب و براساس همان قوانین لازم است تا برنامه‌ها و دستورات الهی تحقق یابد و اجرا شود. دستور قرآن به تحویل امانت به اهل آن و داوری و حکومت براساس عدل^۱ و اطاعت از خدا و پیامبر و اولی الامر،^۲ افزون بر لزوم تشکیل حکومت، بر ضرورت برقراری حکومت الهی و اسلامی تأکید می‌نماید. چنان‌که سنت گفتاری و عملی پیامبر اکرم (ص) بر این امر دلالت دارد. ایشان با ورود به مدینه، مقدمات تشکیل حکومتی مقتدر برای اجرای احکام را فراهم کردند.^۳ امام علی (ع) نیز لزوم تشکیل حکومت را برای اداره جامعه لازم شمرده‌اند، هرچند حکومت فاجر باشد.^۴

مرحوم آیت‌الله بروجردی می‌فرماید: «هرکس قوانین و دستورات اسلامی را بررسی کند، شکی برای او باقی نخواهد ماند که اسلام، دین سیاسی و اجتماعی است و شیعه و سنی بر ضرورت وجود سیاستمدار و رهبری امور مسلمین اتفاق نظر دارند و آن را از بدیهیات اسلام می‌شمارند».^۵

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست، برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد. اصولاً قانون و نظامات اجتماعی، مجری لازم دارد. در همه کشورهای عالم و همیشه این طوری است که قانونگذار به تنهایی فایده ندارد. به همین جهت اسلام همان‌طور که قانونگذاری کرده، قوه مجریه هم قرار داده است».^۶

بر همین اساس رسول گرامی اسلام که خود نقش ابلاغ و اجرای قوانین حیات‌بخش اسلام را به‌عهده داشتند، جایگاه و منزلت بالایی نیز برای آن قائل بوده‌اند. پیامبر (ص) پس از بیرون آمدن از مکه، دست به تشکیل حکومت زدند تا هرچه بیشتر قوانین الهی را جاری سازند. ایشان اجرای قوانین جزایی و کیفری اسلام (حدود) را بر متجاوزان به حریم قانون، بهتر از عبادت شصت سال و نیز برتر از بارش چهل شب باران بر زمین می‌دانستند.^۷ از این رو یکی از مهمترین عوامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، قانون‌پذیری ایشان بوده است. از سویی یکی از محوری‌ترین اصول در سیره آن حضرت، تعبد به قوانین الهی بوده است.

در سیره رسول اکرم (ص) اجرای قانون، از جایگاه برتر برخوردار بوده است. هرچند در برابر

۱. نساء، آیه ۵۸.

۲. نساء، آیه ۵۹.

۳. سیره ابن‌هشام، مصر، ۱۳۷۵ هـ. ق، ج ۱، صص ۵۰۱-۵۰۴.

۴. نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰.

۵. سیدمحمدحسین طباطبایی بروجردی، البدر الزاهر، تقریرات مباحث آیت‌الله بروجردی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، بی‌تا، ص ۵۳.

۶. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، صص ۲۶ و ۲۷.

۷. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۹۱.

هر نوع بدرفتاری که به شخص ایشان می‌شد، نهایت گذشت و اغماض را به خرج می‌دادند. ایشان در مورد کسانی که به حریم قانون تجاوز می‌کردند، مطلقاً گذشت و اغماض نداشتند و نسبت به مجازات قانون‌شکنان و اجرای قانون لحظه‌ای درنگ نمی‌کردند و بدون مسامحه و با رعایت عدل و انصاف قانون الهی را اجرا می‌نمودند. زیرا قانون، حافظ امنیت و کیان جامعه است و نمی‌توان آن را بازیچه این و آن قرار داد و جامعه را فدای فرد کرد.^۱

از سوی دیگر، نظم و روابط اجتماعی در جوامع بشری می‌تواند بستری مناسب برای ایجاد امنیت باشد و آرامش و رشد را برای انسان فراهم سازد. این امر در جامعه با دولت‌ها، نهادهای اجتماعی و اجرایی در جهت برقراری نظم اجتماعی و روابط انسانی عمل می‌کنند. بنابراین تحقق این وظایف با توجه به مسئله قانون و قانونگذاری میسر خواهد شد.

فصل دوم - مسئله قانون و قانونگذاری

ادیان الهی طی تاریخ بشری قوانین و مقرراتی را برای بشر وضع کردند که برای سعادت و کمال آنان از جانب پروردگار عالم بوده است. دین مقدس اسلام نیز به‌طور روشن از این وظایف و حقوق سخن گفته و پیامبر اکرم (ص) در جامعه به آن عمل نموده‌اند.

در دوره‌های مختلف در برخی از جوامع، وضع قوانین تنها در رابطه با افراد انجام شده است. در حالی که قوانین الهی به مناسبات سیاسی حاکم بر جامعه توجه داشته و همواره اولیای دین اسلام بر انجام وظایف، رعایت حقوق، برابری و مساوات بین همه آحاد مردم در برابر قانون تأکید فراوان داشته‌اند که سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) و گواهی بر این مطلب است.

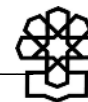
امام خمینی (ره) مسئله قانون و قانونگذاری را یکی از عناصر مهم و کلیدی نظام جمهوری اسلامی دانسته و برای تمامی ارکان نظام و مسئولین آن توجه جدی به این امر را گوشزد کرده و هدف از اجرای قانون را تحقق حق و عدالت اسلامی دانسته‌اند.

ایشان به طرح دکترین «جمهوری اسلامی که نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد»^۲ پرداختند تا با رد و نفی کثرت نظرات و دیدگاه‌ها بر مشروعیت دو پایه‌ای الهی - مردمی نظام تازه تأسیس تأکید کرده باشند. این دو عنصر به مثابه دو رکن اساسی و محوری هم در تشکیل و تداوم نظام و هم در وضع قوانین مورد توجه امام خمینی (ره) قرار گرفته‌اند.

اسلامیت نظام، ضامن هویت و ماهیت درونی آن در تعالیم و دستورات اسلامی است که

۱. غلامرضا نوعی، مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی، رشت، کتاب مبین، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۶۶.



برگرفته از وحی، کتاب، سنت و سیره امامان معصوم (ع) می‌باشد. این امر در قامت «احکام اولیه» نمود یافته و با اجتهاد و استنباط‌های عقلانی و فهم فقیهان در کشف و تطبیق مقتضیات زمان و مکان که به شکل «احکام ثانویه» طرح شده‌اند، به اوج خود رسیده است.

از طرفی جمهوریت نظام در شکل مردمی بودن و لحاظ اکثریت در تشخیص مصالح و منافع خویش و تعیین حق سرنوشت آنان متبلور شده که این دو اصل، در متن قانون اساسی به منصفه ظهور رسیده است.

بررسی تاریخ اندیشه امام خمینی (ره) از دوران ابتدایی مبارزات و تبیین اصل نظریه ولایت فقیه تا تشکیل حکومت اسلامی و تکامل آن در دوران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این دو رکن همواره مورد تأکید ایشان بوده است. از این رو اسلامی و الهی بودن قوانین و تأکید بر آن را می‌توان در مسئله قانونگذاری و جمهوری بودن را از طریق توجه به تساوی حقوق مردم، همدردی و همگامی با آنان به دست آورد.

۱. مفهوم و ماهیت قانون در دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) با بینشی ویژه و متفاوت که نسبت به انسان، جهان هستی و خالق آن دارد، جهان بینی ویژه‌ای را ارائه کردند که این امر موجب برداشتی متفاوت نسبت به قانون و محتوای آن شده است. ایشان بر پایه معرفت الهی که همواره چشم به وحی دارد، معتقدند قانون آلت و وسیله فراهم نمودن اوضاع و شرایط مناسب جهت تهذیب نفس و نیل انسان به سعادت واقعی و حقیقی او - قرب الهی - است. بر این اساس تنها قانونی که دارای این ویژگی باشد، قانون الهی است. ایشان تأکید می‌کنند که «در اسلام یک قانون است و آن قانون الهی»^۱.

به باور امام (ره) خداوند متعال که خالق هستی است، بر تمام موجودات عالم، علم و احاطه دارد و برای همین به نیازهای آنها واقف بوده و در رفع آن نیازها، قادر و توانا می‌باشد. در نتیجه، اشکال به قوانین الهی ناشی از جهل به خداوند است. چنان‌که می‌فرمایند: «کسی به وجود خدا عالم باشد ولی به یکی از اوصاف ثبوتیه جاهل باشد، ... چنین شخصی به وجود خدا عالم نیست، بلکه به یک مفهوم ناقصی عالم است»^۲.

ایشان در باب علم به احتیاجات بشری می‌فرمایند: «ما خدایی را مدیر این جهان پهناور می‌دانیم که میلیون میلیون مظلومه‌های شمسی را تحت تربیت خود اداره می‌کند و از ذره‌ای از ذرات جهان‌های پهناور پیدا و نهان که علم بشری تا آخر هم به قطره‌ای از آن دریای بی‌پایان نخواهد

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۲۶.

۲. امام خمینی (ره)، تقریرات فلسفه، ج ۲، ص ۱۵۱.

رسید، غافل نبوده و نخواهد بود و جمیع احتیاجات هر موجودی پیش او آشکار و روشن است و به رفع آنها قادر و تواناست. آن خدایی که از احتیاجات مشتی انسان که در همین منظومه شمسی خود ما هم ذره‌ای ناقابل است، با آنکه منظومه شمسی ما با هرچه در او است، در میان این فضای بی‌پایان از ذره ناقابل کوچک‌تر است، بی‌خبر است و نمی‌تواند برای احتیاج آنها قانونی درست بیاورد، ما او را به خدایی نمی‌پذیریم هیچ، از یک انسان کاملی هم او را بی‌ارج‌تر می‌دانیم. شما خدا را کوچک و بی‌مقدار می‌دانید که به قانون‌های او اشکال می‌کنید و گمان می‌کنید از قانون ثبت و گمرک بی‌خبر است و علم او به اینجا نرسیده که قانون گمرک وضع کند.^۱

در نظر امام (ره) انسان از بُعد انسان‌شناسی، موجودی دارای دو بُعد مادی و معنوی است. بُعد مادی او باید در خدمت بُعد معنوی باشد و سعادت حقیقی او در گرو تهذیب نفس، تعالی روحی و معنوی و در رسیدن به مقام قرب حق و لقاءالله است. هرچند رسیدن به آن در جهان آخرت امکانپذیر است، اما سازوکار سعادت آن جهان را در این جهان مادی باید فراهم کرد.

ایشان در دایره عمل و قلمرو حرکت انسان مطابق با صراط حق می‌فرمایند: «انسان تا منزل حیوانیت با سایر حیوانات هم‌قدم بوده و از این منزل دو راه در پیش دارد که با قدم اختیار باید طی کند: یکی منزل سعادت که صراط مستقیم رب‌العالمین است، و یکی راه شقاوت که طریق معوج شیطان رجیم است».^۲

نگرش امام (ره) به دین اسلام یک دید همه‌جانبه و به اصطلاح دید اکثری است. ایشان در مورد دین اسلام می‌فرمایند: «اسلام به این منظور به وجود آمد که به انسان، ابعاد واقعی و شأن انسانی اعطا کند. یعنی انسان را از نظر زندگی اجتماعی، شخصی و سیاسی تحول بخشد و به غنای روحی انسان یاری دهد. اسلام قادر به ایجاد چنین تحولی هست...»^۳

با این وجود در قوانین اسلامی چند ویژگی اساسی وجود دارد:

«... قوانین اسلام به نیازهای انسان پاسخ می‌گوید، این قوانین بسیار صریح و روشن هستند.

اسلام روش و رفتار هر فرد را در برابر جامعه، طی قوانین خاصی مدون و تنظیم کرده است ... از این نظر، قوانین اسلام واقعاً پیشرو و پیشاهنگ هستند».^۴

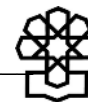
ایشان درباره مذهب اسلام می‌فرمایند: «مذهب اسلام از هنگام ظهورش، متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است

۱. امام خمینی (ره)، کشف‌الاسرار، قم، انتشارات مصطفوی، بی‌تا، صص ۲۹۲-۲۹۴.

۲. امام خمینی (ره)، آداب الصلاة (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ص ۲۶۶.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۳.

۴. همان.



که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی وضع کرده است و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد»^۱.

دیدگاه امام (ره) درباره قانون متکی بر نظام معرفت‌شناسی و فلسفی ایشان است. ایشان قانون را دین الهی و دین اسلام می‌دانند. این نگاه همه‌جانبه درخصوص دین اسلام باعث می‌شود که قوانین اسلام به تمامی نیازهای بشری از تخت سلطنت تا تخت تابوت پاسخ گوید و برای تمام مراحل زندگی انسان از قبل از تولد تا بعد از مرگ برنامه داشته باشد.^۲

ایشان در تبیین این موضوع می‌نویسند: «ما در قانون‌های حقوقی، جزایی، جنایی، طرز تشکیل حکومت، قانون مالی و اقتصادی اسلام و هر چه مربوط به تشکیل کشور است، وقتی نظر می‌کنیم، می‌بینیم هیچ‌یک مانع از عمل ندارد و همه مطابق حکم خرد است. تنها اگر به قانون قصاص و دیات و حدود اسلام یک سال عمل شود، تخم بیدادگری‌ها و دزدی‌ها و بی‌عفتی‌های خانمان سوز از کشور برچیده می‌شود».^۳

از نظر امام (ره) اسلام و قوانین اسلامی، آخرین قوانین الهی است که برای همیشه و برای همگان از سوی خداوند برای راهنمایی انسان در به سعادت رساندن کامل او فرستاده شده است و عقل، شرع و قرآن بر این امر دلالت دارند و خداوند در ابلاغ، تبلیغ قوانین و پیام‌های خود به مردم برخلاف سیره و روش عقلای عالم عمل نمی‌کند.^۴

۲. تطابق قانون الهی با فطرت

یکی از ویژگی‌های قانون الهی، رساندن انسان به سعادت حقیقی است. یعنی احکام و قوانین الهی با فطرت انسان منطبق بوده و او را در رسیدن به سرمنزل مقصود راهنمایی می‌کند.

امام (ره) در این باره می‌فرماید: «حق - تبارک و تعالی - به عنایت ازلی و رحمت واسعه انبیای عظام - علیهم‌السلام - را برای تربیت بشر فرستاد و کتب آسمانی را فرو فرستاد تا آنها از خارج، کمک به فطرت داخلی کنند و نفس را از این غلاف غلیظ نجات دهند و از این جهت، احکام آسمانی و آیات باهرات الهی و دستورات انبیای عظام و اولیای کرام، بر طبق نقشه فطرت و طریقه جبلیت بنا نهاده شده ...».^۵

ایشان در تبیین این امر به تقسیم‌بندی احکام الهی پرداخته و آن را به دو گروه تقسیم می‌کنند:

۱. همان، ج ۵، ص ۳۹۰.

۲. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱، ص ۲۹.

۳. امام خمینی (ره)، کشف‌الاسرار، ص ۲۷۴.

۴. همان، ص ۲۲۶.

۵. امام خمینی (ره)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷، ص ۸۰.

یکی احکام اصلی و استقلالی و دیگری احکام فرعی و تبعی است. در دسته اول، هدف نیل و راهنمایی فطرت انسان به کمال مطلق است. در دسته دوم، هدف تنفر دادن فطرت انسان از شجره خبیثه دنیا و طبیعت است که ام‌النقایص و ام‌الأمراض است. ایشان می‌فرمایند: «انسان دو فطرت است: فطرت عشق به کمال و فطرت تنفر از نقص. پس جمیع احکام شرایع مربوط به فطرت است و برای تخلص فطرت از حُجُبِ ظلمانیه طبیعت است»^۱. امام خمینی (ره) در رساله طلب و اراده می‌فرمایند: «خدای تعالی، پیامبرانی را برای بشارت و انذار فرستاده که احکامشان بر طبق مقتضای فطرت بود تا مگر حجاب‌ها را از پیش چشم دل آنان بردارد و آنان را در سیر سلوکشان یاری و مددکار باشد. پس احکام پیامبران الهی یا ابتدا و بدون واسطه بر طبق مقتضای فطرت اصلی است مانند دعوت به خدا و معارف الهی ... و یا با واسطه بر طبق مقتضای فطرت اصلی است مانند دعوت به فضائل اخلاقی و کاملات نفسانی و نماز ... و امثال این اعمال»^۲.

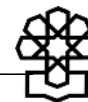
۱-۲. وحدانیت قانونگذاری

از نظر امام خمینی (ره)، قانونگذار مطلق فقط خداست و کسی دارای این حق نیست مگر به اذن و اراده خداوند. زیرا وضع قانون توسط خداوند مانند تصرف مالک در ملک خویش است. از آنجا که هیچ کس دارای این حق نیست که مالک را از تصرف در ملکش باز دارد، می‌توان از وحدانیت در مسئله قانونگذاری سخن گفت. از سوی دیگر بشر در وضع و موقعیت خطا و اشتباه‌پذیری قرار دارد و ممکن نیست حقی را برای او در نظر گرفت که اشتباه نکند.

ایشان در کتاب ولایت فقیه در باب اختلاف جمهوری اسلامی با دیگر حکومت‌ها می‌فرمایند: «فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است: در اینکه نمایندگان مردم یا شاه، در این‌گونه رژیم‌ها به قانونگذاری می‌پردازند؛ در صورتی‌که قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. شارع مقدس اسلام، یگانه قدرت مقننه است. هیچ‌کس حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به مورد اجرا گذاشت. به همین سبب، در حکومت اسلامی به‌جای مجلس قانونگذاری که یکی از سه دسته حکومت‌کنندگان را تشکیل می‌دهد مجلس برنامه‌ریزی وجود دارد که برای وزارتخانه‌های مختلف در پرتو احکام اسلام، برنامه ترتیب می‌دهد و با این برنامه‌ها، کیفیت انجام خدمات عمومی را در

۱. همان، صص ۸۰ - ۸۱.

۲. امام خمینی (ره)، طلب و اراده، ترجمه سیداحمد فهری، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، صص ۱۵۶-۱۵۷.



سراسر کشور تعیین می‌کند».

امام خمینی (ره) برای اثبات این ادعا به بیان دو دسته از دلایل عقلی و نقلی می‌پردازند:
دسته اول: دلایل عقلی؛ ایشان در کتاب رسائل به بیان این اصل می‌پردازند که حکم و دستور هیچکس نسبت به دیگری نافذ نیست، مگر حکم و دستور کسی که بنا به استحقاق ذاتی خود مالک و خالق همه چیز مردم باشد. در این صورت تصرف او به مثابه تصرف در مال خودش است.^۱ در نتیجه کسی که تصرف و ولایتش بر تمام امور بشر به حکم خرد نافذ و درست است، کسی جز خدای عالم نیست که مالک تمام موجودات و خالق ارض و سماوات است. پس «هر حکمی که جاری کند در مملکت خود جاری کرده و هر تصرفی بکند، در داده خود تصرف کرده است».^۲

ایشان در تبیین بیشتر این موضوع می‌فرمایند: «تنها حکومتی که خرد حق می‌داند و با آغوش گشاده و چهره باز آن را می‌پذیرد، حکومت خداست که همه کارش حق و همه عالم و تمام ذرات وجود حق، خود اوست. استحقاق او در هر چه تصرف کند در مال خود تصرف کرده و از هر کس هر چه بگیرد مال خود را گرفته و هیچکس انکار این سخن نتواند کرد، مگر آنکه به اختلال دماغ دچار باشد».^۳

امام (ره) مبتنی بر این نگرش استدلال می‌کنند، چنانچه قصد بشر در وضع قوانین این باشد که یک فرد و یا گروهی از افراد از پیش خود قوانینی وضع کنند و این قوانین موضوعه برای افراد یک کشور واجب‌الطاعه باشد، این مسئله برخلاف عقل و حکم روشن خرد است.

از نظر امام خمینی (ره) «بشر چنین حقی ندارد و هر قانونی که وضع کند جز سیاه‌مشقی نیست و به حکم خرد احکام هیچکس بر هیچکس نافذ نیست مگر حکم خدای جهان ... (برای همین) تمام قانون‌های جهان، راه‌های حيله‌ای است که بشر برای استفاده خود باز کرده و با نام‌های مختلف بر دیگران تحمیل می‌کند. فرق این است که حيله‌گری هر دسته که بیشتر است، نام‌های خود برای آنها فریبنده‌تر و زر و زیوردارتر است. هیچ فرق اساسی میان مشروطه و استبداد و دمکراسی نیست مگر در فریبندگی الفاظ و حيله‌گری قانونگذارها».^۴

ایشان با چنین استدلالی به این نتیجه می‌رسند که قانونگذار باید کسی باشد که از نفع بردن و شهوت‌رانی و هوای نفسانی و ستمکاری برکنار باشد و درباره او احتمال این‌گونه چیزها نباشد. این ویژگی فقط در خدای عادل وجود دارد و قانونگذار نمی‌تواند غیر خدای متعال باشد.

۱. امام خمینی (ره)، الرسائل، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۴۲، ه. ق.، ص ۱۰۰.

۲. امام خمینی (ره)، کشف‌الاسرار، ص ۱۸۱.

۳. همان، ص ۲۲۲.

۴. همان، صص ۲۹۱-۲۹۸.

دسته دوم: از دلایل نقلی است. ایشان در کتاب کشف‌الاسرار به صورت فهرست‌وار به آیاتی که در این مورد وجود دارد، می‌پردازند.

و هرکس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند، چنین کس از کافران خواهد بود^۱... از ستمکاران خواهد بود^۲... و از فاسقان خواهد بود^۳ و ما این (قرآن عظیم) را به حق بر تو فرستادیم که تصدیق به درستی و راستی همه کتب که در برابر اوست نموده و بر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی می‌دهد. پس حکم کن میان آنها به آنچه خدا فرستاد و در اثر پیروی از خواهش‌های ایشان حکم حقی که بر تو آمده و مگذار^۴ و (تو ای پیغمبر) به آنچه خدا فرستاده میان آنان حکم کن و پیرو خواهش‌های ایشان مباش و ببانداش که مبادا تو را فریب دهند،^۵ آیا باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را دارند؟ و کدام حکم از احکام خدا برای اهل یقین نیکوتر خواهد بود؟^۶

از نظر امام خمینی (ره) هیچ‌کس جز خدا حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز قانون او قانونیت ندارد و پذیرش قانون‌های بشری از حکم خرد و قرآن بیرون است.

از نظر امام خمینی (ره) خطابات الهی، کلی هستند. چنان‌که می‌فرمایند: «اصول رایج عمومی در قوانین جهانی و بشری این است که فرمانروا پس از در نظر گرفتن صلاح و فساد، تصمیم و اراده او به صورت یک قانون کلی برای تمامی انسان‌ها یا به گروهی از آنان تعلق گیرد. پس یک حکم کلی وضع می‌کند و آن را در جایی قرار می‌دهد که مراجعه‌کنندگان آن را می‌جویند»^۷.

تکالیف و احکام شرعی مانند قوانین عرفی و بشری هستند که برای حفظ جامعه و هماهنگی کارها وضع و مقرر می‌شوند. یعنی در مورد قوانین بشری خطاب‌ها و فراخوان‌های متعدد وجود ندارد، بلکه هر قانون از آن جهت که یک خطاب است، متعلق به یک عنوان کلی می‌شود و حجت بر تمامی انسان‌ها مکلف خواهد بود. در مورد شرع هم خطاب‌های متعلق به مؤمنان یا مردم به همین صورت است. در نتیجه یک خطاب قانونی واحد وجود دارد که شامل همه می‌شود.^۸

چارچوب و اصول کلی قوانین از خداوند تعیین شده و از او نازل گردیده، اما تطبیق این احکام و قوانین که براساس شرایط زمان، مکان و مقتضیات آن با احکام الهی متفاوت می‌باشد، نیازمند مجمعی است که حکم موضوعات و مسائل مختلف مبتلابه جامعه و مسائل مستحدثه را بیان کند.

۱. مائده، آیه ۴۴.

۲. مائده، آیه ۴۵.

۳. مائده، آیه ۴۷.

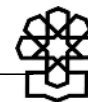
۴. مائده، آیه ۴۸.

۵. مائده، آیه ۴۹.

۶. مائده، آیه ۵۰.

۷. امام خمینی (ره)، تهذیب‌الاصول، ج ۲، ص ۳۰۵.

۸. همان، ج ۲، ص ۲۸۰.



یعنی گرچه امام (ره) قانونگذاری را حقی مسلم و ویژه برای خداوند و از شئون حق تعالی می‌داند، اما با توجه به اینکه احکام و قوانین الهی کلی‌اند و برای اجرا در جامعه، نیازمند تشریح، تبیین و تعیین احکام با مصادیق می‌باشند، به وجود مجلس و قوه مقننه در حکومت اسلامی قائل هستند.

وظیفه مجلس، وضع قانون براساس خرد، تشخیص و سلیقه نمایندگان نیست، بلکه برنامه‌ریزی برای نهادهای مختلف حکومتی براساس احکام و قوانین الهی است. این مجلس برای اینکه از کارکرد قابل قبولی برخوردار باشد، باید دو اتفاق در آن رخ دهد:

الف) اعضای آن را باید مجتهدین تشکیل دهند که آشنا به احکام الهی بوده و از عدالت برخوردار باشند تا از هوای نفس به دور بوده و به دنیا و ریاست آلوده نباشند و هدفی جز اجرای حکم خداوند در سر نداشته باشند.^۱

ب) اعضای این مجلس باید درک درستی از حکومت داشته باشند.

از نظر امام (ره): «مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان، برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد، بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد».^۲

به اعتقاد امام (ره) چنین مجلسی علاوه بر آنکه به افراد اسلام‌شناس و فقهای دینی نیازمند می‌باشد، به کارشناسان سیاسی، اقتصادی و مطلع به اوضاع جهان و متخصصین در امور کشاورزی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی نیز نیاز دارد. زیرا مجلس باید در مورد همه امور مورد نیاز جامعه به بحث و گفتگو بپردازد.^۳

از سوی دیگر جوامع امروزی، نسبت به جوامع ابتدایی در گذشته دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شدند و روابط و مناسبات اجتماعی تازه در زمینه مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، صنعتی و نظامی مطرح شده که پیش‌تر خبری از آنها نبوده است و در شرع و فقه اسلامی، حکم آنها مشخص نیست و این‌گونه مسائل باید در مجلس شورای اسلامی مطرح شده و با توجه به قوانین و احکام کلی اسلام در مورد آنها تصمیم‌گیری شود.

از نظر امام (ره) در اسلام یک سری قوانین و اصول عامی وجود دارد که بر دیگر قوانین

۱. امام خمینی (ره)، کشف‌الاسرار، ص ۱۸۵.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۸-۱۷۹.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۲۸۴.

اسلامی حاکمیت دارد. از این رو در صدور هر حکم و قانونی باید آنها را ملاحظه و رعایت کرد. ایشان می‌فرمایند: «یکی از قانون‌های عمومی که در اسلام گذاشته است، یک طور قوانینی است که برای مراعات توده موکل بر قانون‌های دیگر خدا قرار داده، مانند قانون حرج و قانون ضرر و اضطراب و اکراه و امثال آنها این قوانین ناظر به قوانین دیگر است، برای مراعات حال مردم. اسلام با گذراندن این‌گونه قانون‌ها، مراعات مقتضیات زمان‌ها، کشورها و اشخاص را به‌طور کافی کرده است. پس اگر در بعضی کشورها یا برای بعضی اشخاص، مقتضیات چیزی پیش بیاورد به‌موجب این‌گونه قوانین تغییراتی در قانون‌های اولی داده می‌شود»^۱.

۲-۲. هدف از وضع قانون

هدف از قانونگذاری چیست؟ در بررسی نگرش امام خمینی (ره) به مسئله قانون و قانونگذاری باید به موشکافی اهداف مورد نظر ایشان در این زمینه پرداخت. زیرا فهم تفاوت در اهداف می‌تواند، تفاوت در سیستم‌های قانونگذاری را روشن سازد.

از سویی سیستم قانونگذاری مد نظر امام (ره)، سیستمی است که هدفش سعادت دنیوی و آخری انسان را در پی داشته باشد. این مسئله موجب تمایز با سیستمی می‌شود که اصولاً اعتقادی به آخرت ندارد.

از نظر امام خمینی (ره) انسان، دارای دو بُعد مادی و معنوی است. این امر باعث فهم و دریافتی از سعادت انسان می‌شود که در نظام فکری ایشان به قانون معنایی خاص و جایگاهی ویژه می‌بخشد.^۲

از نظر ایشان، تمام قوانین اسلام دارای این دو جنبه حیات مادی و معنوی است.^۳ در حالی است که قانون‌های بشری او را به زندگانی مادی و دنیایی دعوت از زندگی همیشگی ابدی غافل می‌کند.^۴ ایشان در این باره می‌فرمایند: «شما وقتی اسلام را ملاحظه می‌کنید، به حسب ابعاد انسانیت [می‌بینید] طرح دارد، قانون دارد... قرآن، کتاب انسان‌سازی است، مکتب اسلام، مکتب انسان‌سازی است، انسان به همه ابعاد، نه فقط یک انسان مادی می‌خواهد درست بکند، یک انسان الهی می‌خواهد درست بکند؛ همه ابعاد انسان مورد نظرش هست».^۵

امام (ره) قانون را ابزار و وسیله برقراری نظم اجتماعی به‌منظور پرورش و تهذیب نفس و

۱. همان، ص ۳۱۵.

۲. امام خمینی (ره)، کشف‌الاسرار، صص ۳۱۱-۳۱۲.

۳. امام خمینی (ره)، آداب الصلاة (آداب نماز)، ص ۲۳۶.

۴. امام خمینی (ره)، کشف‌الاسرار، ص ۳۱۲.

۵. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۶، صص ۴۱-۴۲.



تزکیه انسان می‌دانند. در جامعه آرمانی، هدف قانون، تأمین و تحقق سعادت انسان است که منتهی به بسط عدالت می‌شود. زیرا «اسلام به قانون نظر «آلی» دارد. یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند، وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به‌منظور پرورش انسان مذهب است. وظیفه مهم پیغمبران اجرای احکام بوده و قضیه نظارت و حکومت مطرح بوده است»^۱.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که هدف اولیه از تدوین و اجرای قانون، برقراری نظم اجتماعی و استقرار حکومت عادلانه و مهار قدرت استبدادی است تا بدین وسیله اسباب و شرایط لازم برای تهذیب انسان و وصول او به سعادت کامل که همان قرب به حق است، فراهم شود. در حقیقت میان قوانین الهی و بشری تفاوت عمده‌ای وجود دارد.

۲-۳. جاودانه بودن قانون الهی

از نظر امام خمینی (ره) احکام الهی جاودانه‌اند و نسخ نمی‌شوند و تا روز قیامت برجای می‌مانند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «احکام الهی (چه احکام ملی و چه سیاسی و چه حقوقی) نسخ نشده‌اند، بلکه تا روز قیامت باقی هستند»^۲.

احکام اسلام، احکامی ابدی و جاودانه می‌باشند. در دیدگاه اسلامی این مسئله یکی از مهمترین مباحث در امر قانونگذاری است.

امام (ره) بر این باور تأکید دارند که: «... قانون‌هایی که قابل نسخ است عبارت از قوانینی است که برای اداره کردن زندگانی معنوی و مادی بشر کافی نباشد و یا قانونی بهتر از آن بتواند زندگی مادی و معنوی او را اداره کند ... درحالی که قانون اسلام را خدا، کامل و تام شمرده و چنین قانونی که در پیشگاه خدا به کامل و تام بودن شناخته شده است، کس دیگری نمی‌تواند آن را ابطال و نسخ کند»^۳.

امام (ره) در کتاب کشف‌الاسرار در تبیین این مسئله ذیل بحث نبوت و با استناد به آیه ۴۰ سوره احزاب، چنین نوشته‌اند: «خدا، ختم پیغمبری را به پیغمبر اسلام اعلام کرده، پس قانون آسمانی و دستور خدایی که باید به وسیله پیغمبران بیاید دیگر نخواهد آمد. از این رو، به حکم این آیه، اسلام برای همیشه و همه توده بشر خواهد بود»^۴. در مقامی دیگر و با استناد به آیه ۵ از سوره مائده، اکمل و اتم بودن دین اسلام و قوانین آن را اثبات می‌کند.

براساس اندیشه امام (ره) قوانین الهی بر چنان محتوای غنی و اصیلی استوارند که هیچگاه

۱. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۷۴.

۲. امام خمینی (ره)، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۱.

۳. امام خمینی (ره)، کشف‌الاسرار، ص ۳۱۲.

۴. امام خمینی (ره)، کشف‌الاسرار، صص ۳۰۷-۳۰۸.

کهنه نشده و از حیز انتفاع ساقط نمی‌شوند تا منسوخ و باطل شوند.

ایشان وجود ناسخ و منسوخ در قرآن را مغایر با این مسئله ندانسته و در چگونگی آن می‌فرمایند: «در قرآن ناسخ و منسوخ بسیار کم است. آنچه در قانون اساسی اتفاق افتاده، کلی نیست و گاهی تغییر جزئی و یا در بعضی عبارات تصرفی داده شده است».^۱

امام خمینی (ره) بحث نقش زمان و مکان و تأثیر آن بر احکام الهی را مغایر با غیرقابل نسخ بودن احکام الهی ندانسته و معتقدند در اسلام، قوانینی عمومی وجود دارد که برای مراعات توده بوده که موکل بر قانون‌های دیگر خدا می‌باشد. مانند قانون حرج، قانون ضرر و اضطرار و اکراه.^۲

۴-۲. قانون و مصلحت

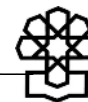
امام خمینی (ره) با در نظر گرفتن عنصر «زمان و مکان» در نظریه «ولایت فقیه»، طرح تازه‌ای را برای اداره جامعه بر اصول شریعت، کتاب و سنت ارائه کردند که در آن خلوص دین، در کنار حفظ ماهیت فقه جواهری توانست در کاربرد و اداره عملی جامعه مورد توجه قرار گیرد. ایشان با این تفکر، فقه پویایی را پایه‌گذاری کرده‌اند که دربرگیرنده عنصر مهم «مصلحت» است. یعنی در نظام جمهوری اسلامی ایران با عملی کردن نظرات فقهی خود توانستند، تجربه‌ای تازه و بی‌بدیل را در دوران غیبت در تاریخ شیعه برجای گذارند.

ایشان از آنجا که در اداره کشور به صورت مستقیم دخالت داشتند، با واقعیات و جنبه‌های عینی و عملی سیاست بیشتر آشنا شدند و ضروریات آن را بیشتر درک کرده‌اند. از این رو با در نظر گرفتن این ضروریات به گسترش دامنه احکام صادره از حکومت پرداختند. این احکام، دامنه‌ای فراتر از احکام ثانویه مصطلح در فقه پیشین دارد که در نظر امام (ره) به عنوان وسیله‌ای در جهت حفظ نظام عمل می‌نمایند. این نوآوری به نوبه خود تغییرات بسیاری را در بحث قانون و قانونگذاری ایجاد کرده است.

در این مورد می‌فرمایند: «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد (که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود) و آنچه ضرورت دارد (که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است) و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن مادام که موضوع محقق است و [اینکه] پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود مجازند در تصویب و اجرا آن و باید تصریح شود که هریک از متصدیان اجرا از

۱. همان، ص ۳۱۴.

۲. اصغر افتخاری، مصلحت و سیاست، رویکردی اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴، چاپ اول، صص ۴۸۵-۵۱۰ و آرش عابدینی، مفهوم مصلحت در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شهریورماه ۱۳۹۰، صص ۱۵-۲۳.



حدود مقرر تجاوز نماید، مجرم شناخته می‌شود و تعقیب قانونی و تعزیر شرعی می‌شود.^۱ در اسلام، احکام ثانویه در دو دسته فردی و جمعی وجود دارند که نظم و «حفظ نظام» از عناوین ثانویه جمعی است که در حل مسائل و مشکلات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. عناوین دیگر احکام ثانویه همانند «عسر» و «حرج» و «ضرر» ماهیت فردی دارند. امام خمینی (ره) بر این اساس که نفس تشکیل حکومت از احکام اولیه است، به پایه‌گذاری نظام جمهوری اسلامی اقدام کرده‌اند. در دوران پس از انقلاب در پی حوادث، مسائل و مشکلات پیش آمده در تجربه عملی کشورداری و چیرگی بر مشکلات و بالا بردن توان اداره کشور تلاش کرده که با قوی‌تر کردن احکام حکومتی منطبق بر شرع، حفظ نظام را میسر سازند. در این جهت احکام ثانویه را به عناوین جمعی توسعه دادند و در نتیجه، دامنه احکام حکومتی گسترش یافته است.^۲ حاصل این تلاش ارتقای توان احکام حکومتی در کشور بوده است. در این عرصه حکومت اسلامی باید علاوه بر «حفظ نظام» و جلوگیری از اختلال در نظم آن، «ضرر» و «حرج» کل جامعه را در نظر بگیرد. بنابراین احکام حکومتی همان احکام ثانویه هستند و عناوین فردی مرزهای خود را توسعه دادند و به بُعد اجتماعی پای گذارده‌اند.

ایشان در مورد حکم تحریم تنباکوی میرزای شیرازی می‌فرمایند: «حکم مرحوم میرزای شیرازی در حرمت تنباکو چون حکم حکومتی بود، برای فقیه دیگر هم واجبات‌اتباع بود و همه علمای بزرگ ایران - جز چند نفر - از این حکم متابعت کردند. حکم قضاوتی نبود که بین چند نفر سر موضوعی اختلاف شده باشد و ایشان روی تشخیص خود قضاوت کرده باشند. روی مصالح مسلمین و به‌عنوان «ثانوی» این حکم حکومتی را صادر فرمودند و تا عنوان وجود داشت، این حکم نیز بود و با رفتن عنوان حکم هم برداشته شد».^۳

در اسلام دو نوع قواعد سیاسی وجود دارد:

الف) اصولی که بر روند عادی و متعارف حیات سیاسی جامعه اسلامی (روابط داخلی و خارجی) ناظر هستند.

ب) اصولی که بر وضعیت مبتنی بر تراحم ناظر هستند.^۴

در وضعیت تراحم، سؤال پیش می‌آید که در تقابل واقعیات با ارزش‌ها چه باید کرد؟ در پاسخ به قواعدی نیازمند است که به «قواعد رافع تراحم» مشهور است.

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۹۸.

۲. آرش عابدینی، مفهوم مصلحت در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شهریورماه ۱۳۹۰.

۳. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، صص ۱۲۵-۱۲۶.

۴. هادی نخعی، توافق و تراحم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۷۶.

ریشه این نوع از مصلحت در تجربه عملی کشورداری امام (ره) نهفته است. این نوع از مصلحت به علت آنکه در گروه رافع تراحم قرار دارد، صرفاً در جایی رخ می‌دهد که به شکلی بشر شاهد تراحم بین دو یا چند قانون در مقام «قانونگذاری» و یا دو یا چند سیاست در مقام «تصمیم‌گیری» باشد.

بنا به فرمان امام (ره) کشور برای تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام شاهد یک ضرورت سیاسی - اجتماعی بوده که در مقام تصمیم‌گیری رخ داده است.

ایشان می‌فرمایند: «مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد...»^۱

ایشان خطاب به اعضای شورای نگهبان می‌فرمایند: «تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چراکه یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی، نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست. حکومت، فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند»^۲.

ایشان طبق این اصل در مورد قوانین مصوب مجلس می‌فرمایند: «... ان شاء الله وکلایی که اشخاصی که اهل خبره هستند، خوب تعیین بشوند و قانون را خوب، به طوری که با اسلام موافق باشد و با مصلحت مسلمین موافق باشد، بررسی بکنند و ان شاء الله تصویب بشود. اساس مملکت که عبارت از قانونش است، درست بشود...»^۳.

۲-۵. ویژگی‌های قانون

در جامعه برای حاکمیت قانون، روابط و مناسبات اجتماعی افراد با یکدیگر و با حکومت باید قانون وضع شود و اراده انسان‌ها در مجرای که قانون تعیین کرده، محقق گردد. یعنی قوانین دارای ویژگی‌هایی باشند و حوزه و حیطه عمل آنها به روشنی مشخص شود.

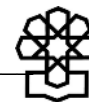
۲-۵-۱. ویژگی قانون

امام خمینی (ره) در بیان اوصاف عمومی قانون در عام و شامل بودن، روشن و مشخص بودن را مورد توجه قرار داده‌اند که به آنها اشاره می‌شود:

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، صص ۴۵۵-۴۶۵.

۲. همان، ج ۲۱، صص ۲۱۷-۲۱۸.

۳. همان، ج ۹، ص ۴۶.



الف) عام بودن قانون: از نظر امام (ره) خدای متعال همان‌گونه که در تکوین هستی، منطبق بر یک نظم کلی عمل نمود، در وضع قوانین و تشریح آن نیز به نحو عام عمل کرده است.

ایشان در کتاب تهذیب‌الاصول می‌فرمایند: «تکالیف و احکام شرعی دقیقاً مانند قوانین عرفی [و بشری] است که برای حفظ جامعه و هماهنگی کارها وضع و مقرر می‌شود. پس همچنان که در مورد قوانین بشری خطاب‌ها و فراخوان‌های متعدد [در هر کار و درباره هر شخص] وجود ندارد، بلکه هر قانون از آن جهت که یک خطاب است، متعلق به یک عنوان کلی می‌شود و حجت بر تمامی انسان‌ها مکلف خواهد بود، در مورد شرع هم خطاب‌های متعلق به مؤمنان یا مردم همین‌طور است. پس در اینجا نیز تنها یک خطاب قانونی واحد است که شامل همه می‌شود».^۱

امام (ره) فرمودند: «...حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه حکم‌فرمایی دارد. آنجا هم که اختیارات محدودی به رسول اکرم (ص) و ولات داده شده، از طرف خداوند است. حضرت رسول اکرم (ص) هر وقت مطلبی را بیان یا حکمی را ابلاغ کرده‌اند، به پیروی از قانون الهی بوده است: قانونی که همه بدون استثنا باید از آن پیروی و تبعیت کنند. حکم الهی برای رئیس و مرئوس متبع است. یگانه حکم و قانونی که برای مردم متبع و لازم‌الاجراست، همان حکم و قانون خداست... در حکومت و قانون الهی هیچ‌گونه دخالتی ندارد: همه تابع اراده الهی هستند».^۲

ب) روشن و مشخص بودن قانون: از نظر امام خمینی (ره) قوانین باید روشن و مشخص باشند و در آن ابهامی مشاهده نشود. ایشان در مباحث علم اصول به‌صورت کامل به این موضوع پرداخته^۳ و در سخنانی این مسئله را بیان کرده‌اند: «... قوانین اسلام به نیازهای انسان پاسخ می‌گوید؛ این قوانین بسیار صریح و روشن هستند. اسلام، روش و رفتار هر فرد را در برابر جامعه، طی قوانین خاصی مدون و تنظیم کرده است... از این نظر قوانین اسلام واقعاً پیشرو و پیشاهنگ هستند».^۴

ایشان در مورد ویژگی قوانین به نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی فرمودند: «نمایندگان محترم مجلس خبرگان باید همه مساعی خویش را به‌کار برند تا قانون اساسی جامع و دارای خصوصیات زیر باشد:

الف) حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت و دوری از تبعیض‌های ناروا،

ب) پیش‌بینی نیازها، منافع نسل‌های آینده، آن‌گونه که مد نظر شارع مقدس در معارف ابدی

اسلام است.

۱. امام خمینی (ره)، تهذیب‌الاصول، ج ۱، ص ۳۰۵.

۲. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۴۶.

۳. امام خمینی (ره)، تهذیب‌الاصول، ج ۲، صص ۹۳-۹۴.

۴. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۳.

ج) صراحت و روشنی مفاهیم قانون به نحوی که امکان تفسیر و تأویل غلط در مسیر هوس‌های دیکتاتورها و خودپرستان تاریخ در آن نباشد.

د) صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضت‌های اسلامی دیگر که با الهام از انقلاب اسلامی ایران درصدد ایجاد جامعه اسلامی برمی‌آیند.^۱

از نظر ایشان، تنوع قوانین و مقررات در اسلام به حدی است که یک نظام اجتماعی و حقوقی را شکل می‌دهد و کلیه مباحث فردی، اجتماعی و سیاسی (حکومتی) را در خود جای داده و برای آن برنامه جامع دارد. در این نظام حقوقی «از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشره و قوم‌خویش و همشهری و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی».^۲

با این نگاه از حکومت اسلامی که برآمده از قوانین الهی باشد، دامنه اختیارات بسیار است و باید اختیارات فراتر از احکام فرعی الهی باشد.

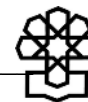
امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام (ص) یک پدیده بی‌معنا و محتوا باشد و اشاره می‌کنم به پیامدهای آن، که هیچکس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد: مثلاً خیابان‌کشی‌ها که مستلزم تصرف در منزلی است یا حریم آن است در چارچوب احکام فرعی نیست. نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها و جلوگیری از ورود و خروج ارز و جلوگیری از ورود یا خروج هر نحو کالا... و صدها امثال آن، که از اختیارات دولت است ... باید عرض کنم حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضیاع باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند...».^۳

از نظر امام خمینی (ره)، حوزه عمل قوانین بسیار وسیع است و شامل تمامی امور شخصی و

۱. همان، ج ۹، ص ۳۱۱.

۲. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۳۰.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، صص ۴۵۲-۴۵۳.



خصوصی انسان تا امور اجتماعی و سیاسی می‌شود. در یک کلام، تمامی امور مادی و دنیوی، معنوی و اُخروی او را پوشش می‌دهد.

حال با این نگاه حداکثری به دین و تشکیل حکومت دینی که منتهی به برپایی مجلس قانونگذاری و یا به تعبیر امام (ره) مجلس برنامه‌ریزی می‌گردد، باید دید مجلس چه نقشی را در اجرای احکام و قوانین الهی می‌تواند داشته باشد. آیا چنین مجلسی می‌تواند تمامی احکام الهی را به قوانین مدنی و موضوعه تبدیل نماید؟

پاسخ به این پرسش در گرو تفاوت‌گذاری میان اموری است که «ذاتاً دینی» و «ذاتاً شأن اجتماعی» دارند. حکومت اسلامی و مجلس قانونگذاری در اموری که ذاتاً دینی هستند و به‌منظور قرب الهی انجام می‌گیرند، توان دخالت نداشته و نباید اقدام به وضع قانون به معنی الزام و اجبار نماید. زیرا وضع قوانین و اجبار و الزام در این‌گونه امور، مخالف روح احکام دینی است.

از سوی دیگر در امور اجتماعی که حریم جامعه است، نباید دین را درگیر کرد، البته باید میان احکام الهی که جنبه فردی و شخصی دارد و قوانینی که جنبه اجتماعی دارد، تفاوت و تمایز قائل شد. با این وجود قوه قانونگذاری نمی‌تواند در مورد احکامی که جنبه فردی و شخصی دارد به وضع قوانین الزام‌آور بپردازد، اما در احکام جمعی و اجتماعی حکومت با توجه به مصالح دینی، ملی و مقتضیات کشور و با تکیه بر بُعد زمان و مکان می‌تواند به‌صورت الزام‌آور به تدوین و تصویب قوانین بپردازد.

در امر قانونگذاری و وضع قوانین مدنی باید از خلط امور شخصی، حیطة فردی، خصوصی و امور اجتماعی و حوزه اجتماعی اجتناب کرد. زیرا شأن حکومت و قانونگذاری در حیطة فردی و خصوصی، نقش اعدادی است، نه ایجاد. در این حیطة، قوای حکومتی نقش بسترسازی را به‌عهده دارند و باید بستر و زمینه هدایت، رشد و فلاح انسان‌ها را فراهم نمایند، نه اینکه از زور و اجبار استفاده کنند. پس از نظر امام خمینی (ره) مجلس قانونگذاری یا برنامه‌ریزی تنها حق وضع قانون در امور اجتماعی و مدنی و به تعبیر دیگر امور دنیوی و مادی را به‌عهده دارد.^۱

۶-۲. برابری همه مردم

در اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر حقوق مساوی ملت ایران و تساوی افراد - اعم از زن و مرد - در برابر قانون تأکید شده است. این اصول برگرفته از اصل برابری در دیدگاه اسلامی است. امام خمینی (ره) به‌عنوان معمار نظام جمهوری اسلامی به این موضوع توجه ویژه کرده است.

۱. رقیه تمیمی، بررسی مفهوم آزادی و قانون در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، جان لاک و منتسکیو، صص ۴۵۶-۴۵۷.

برابری و مساوات از کهن‌ترین اندیشه‌ها و خواسته‌های بشری است که طی قرون متمادی مورد توجه صاحب‌نظران بسیاری واقع شده و در این رابطه مطالب بسیاری به نگارش درآمده است. در دین اسلام، برابری به‌عنوان نخستین پایه نظام اجتماعی به‌شمار می‌آید. در آیاتی از قرآن کریم در موارد متعددی به این امر اشاره و تصریح شده است که همه انسان‌ها از حیث حقیقت انسانی متحدند و آنان با همه تفاوت‌هایی که دارند، از یک منشأ واحد آفریده شده‌اند.^۱

امام خمینی (ره) برابری انسان‌ها را مورد قبول دانسته و در جای جای بیانات خود بر این موضوع تأکید کرده است. ایشان در سخنانی که به تبیین مواضع اسلام و سیاست‌های آینده جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد، در جهت اثبات برابری انسان‌ها چنین استدلال می‌کنند:

«...مهمترین و بارزترین اعتقادات ما اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد و بنا بر این هیچ انسانی هم حق ندارد، انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند ... از این اصل ما نیز معتقدیم که قانونگذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است ... و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست...»^۲

ایشان در بیانی به صراحت می‌فرمایند: «در اسلام قانون است، همه تابع قانونند و قانون هم قانون خداست. قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است. قانونی است که قرآن است، قرآن کریم است و سنت رسول اکرم (ص) است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل بکنیم. فرقی مابین اشخاص نیست در قانون اسلام. فرقی مابین گروه‌ها نیست.»^۳

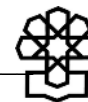
این بیان، ضرورت مجلس شورای اسلامی را نفی نمی‌کند و مجلس در حکومت اسلامی در جایگاه خود قرار دارد. ایشان در سخنانی در مورد اهمیت مجلس شورای اسلامی و بیان وظایف نمایندگان مجلس می‌فرمایند:

«... همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید، ولو برخلاف رأی شما باشد. باید بپذیرید،

۱. نساء، آیه ۱ و حجرات، آیه ۱۲.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۵، صص ۳۸۸-۳۸۹.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۲۶.



برای اینکه میزان اکثریت است و تشخیص شورای نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست، میزان است که همه ما باید بپذیریم. من هم ممکن است با بسیاری از چیزها من که یک طلبه هستم، مخالف باشم. لکن وقتی قانون شد [تصویب] خوب، ما هم می‌پذیریم. بعد از اینکه یک چیزی قانونی شد، دیگر نق زدن در آن، اگر بخواهد مردم را تحریک بکند، مفسد فی الارض است و باید با او دادگاه‌ها عمل مفسد فی الارض بکنند.^۱

۲-۷. امام (ره) و حاکمیت قانون

از دیگر مسائل دارای اهمیت در کشورداری حاکمیت قانون است که تحت دو عنوان «حاکمیت قانون» و «قانون‌گرایی» مورد بحث قرار گرفته است. یعنی کلیه قوای کشور و سازمان‌های عمومی باید زیر نظارت قانون قرار داده شوند و همه مقامات عمومی مکلف باشند در اتخاذ تصمیمات و اعمال خود، رعایت قوانین و مقررات را بنمایند.

به تعبیر دیگر حاکمیت قانون یک مفهوم کلی است که شامل کلیه قوای حکومتی می‌باشد، یعنی همه فعالیت‌های عمومی جامعه اعم از قانونگذاری، قضایی، اجرایی و اداری تابع قانونند و افراد می‌توانند با مراجعه به مراجع قضایی صلاحیتدار از تخلف و تخطی آنها جلوگیری کنند.

در تعریف حاکمیت قانون گفته شده: «حاکمیت قانون به وضعیت موجود در کشور گفته می‌شود که در آن، قوانین وضع شده از سوی قوه مقننه توسط پلیس و دستگاه قضایی به اجرا گذاشته می‌شود و این وضعیت به‌طور مساوی شامل همه شهروندان می‌شود».^۲

از نظر امام خمینی (ره) بحث حاکمیت قانون جایگاه ویژه دارد که براساس آن حاکمیت از آن قانون است، نه افراد و علایق و سلايق آنان. ایشان می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم یک حکومتی باشد، مثل حکومت اسلام که غیر از قانون هیچ چیز حکومت نکند».^۳ بر همین اساس ایشان یکی از معیارهای حکومت اسلامی را حکومت قانون قرار داده و می‌فرمایند: «در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصاً قانونی که قانون اسلام است، این کشور را نمی‌توانیم اسلامی حساب کنیم. کسانی که با قانون مخالفت می‌کنند، این‌ها با اسلام مخالفت می‌کنند».^۴

به باور امام (ره) در کشوری که قانون حاکمیت دارد، هیچ استثنا و برتری میان افراد وجود ندارد و همه آنها در برابر قانون برابرند.

ایشان در این مورد می‌فرمایند: «حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۷۸.

2. P.H. Collin. Dictionary of Government & Politics; Brittain: Peter Publishing Ltd; 2d. edition; 1977. P. 160.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۰۸.

۴. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۱۵.

بر جامعه حکم‌فرمایی دارد. آنجا هم که اختیارات محدودی به رسول اکرم (ص) و ولایت داده شده، از طرف خداوند است. حضرت رسول اکرم (ص) هر وقت مطلبی را بیان یا حکمی را ابلاغ کرده‌اند، به پیروی از قانون الهی بوده است، قانونی که همه بدون استثنا باید از آن پیروی و تبعیت کنند. حکم الهی برای رئیس و رئیس و رئیس متبع است. یگانه حکم و قانونی که برای مردم متبع و لازم‌الاجراست، همان حکم و قانون خداست.^۱

فصل سوم - امام (ره) و قوای قانونگذاری

۱. مجلس شورای اسلامی

مجلس، مهمترین رکن تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در نظام جمهوری اسلامی است که جهت اداره کشور، وظیفه وضع، قانونگذاری، اصلاح و نسخ برخی قوانین را برعهده دارد. این قوه براساس قانون اساسی، مظهر قدرت و حکومت مردم و تبلور اراده آن و به تعبیر واضح‌تر مصداق خارجی، جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی است. روش کار قوه مقننه به صورت شورایی است که مطابق نص صریح قرآنی اهمیت آن آشکار می‌شود.^۲

در نظام اسلامی، امر تشریح و قانونگذاری به خدای متعال اختصاص دارد. از این رو پرسیده می‌شود نقش و وظیفه قوه مقننه در این میان چیست؟ چه ضرورتی برای وجود قوه مقننه احساس می‌شود؟ امام خمینی (ره) در این باره چه نظری داشته‌اند؟

در پاسخ به این پرسش‌ها باید به دو نکته اساسی توجه داشت:

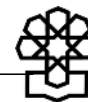
الف) در جمهوری اسلامی ایران، قوه قانونگذاری همان مجلس شورای اسلامی است که تنها وظیفه قانونگذاری ندارد، بلکه علاوه بر آن به نظارت بر کار مجریان و اجرای صحیح قانون، انعقاد قراردادهای بین‌المللی، رسیدگی به طرح و شکایت ملت از عملکرد مجموعه دولت و... نیز می‌پردازد.

ب) اسلام، دینی جامع و کامل است که توان اداره جامعه را در تمامی اعصار دارد. در اسلام، قواعد و مقرراتی وجود دارد که بر تمامی شئون زندگی فرد و جامعه ناظر بوده و زندگی مادی و معنوی او را تحت پوشش خود دارد. از این رو لازم است احکام مربوط به جزئی‌ترین روابط اجتماعی را از احکام و دستورات کلی اسلام استخراج کرد که این عمل باید زیر نظر کارشناسان و متخصصان شریعت و فقهای اسلامی صورت گیرد.

در اسلام، فلسفه اجتهاد و استنباط احکام مبتنی بر مقتضیات زمان و مکان است. این امر از نظر

۱. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۴۶.

۲. شورا، آیه ۳۷ و آل عمران، آیه ۱۵۹.



امام خمینی (ره) دلیلی بر پویایی و جاودانگی شریعت آسمانی اسلام است. زیرا در هر عصر و دورانی، پدیدار شدن موضوعات جدید که به صورت جزئی در اسلام مطرح نشده باشد، ممکن است مشکلاتی را در جامعه فراهم نماید. در این شرایط لازم است قوانین و مقررات مربوط به نیازهای روزمره مردم با استنباط از احکام کلی اسلام توسط کارشناسان تدوین و تبیین گردد. از این رو تأسیس قوه مقننه که متشکل از نمایندگان منتخب ملت است، برای تحقق این هدف صورت گرفته است. در این راستا امام خمینی (ره) در پاسخ به نامه آیت‌الله گلپایگانی در خصوص اختیارات مجلس شورای اسلامی در وضع قوانین منطبق با احکام اولیه و ثانویه به تشخیص موضوع بسنده کرده‌اند.^۱

وظیفه نظارتی مجلس از دیگر مباحثی است که امام خمینی (ره) همواره آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. زیرا مجلس به‌عنوان نهاد ناظر، همواره بر عملکرد قوه مجریه نظارت کرده و بستر مناسب را برای پاسخگو بودن این قوه فراهم می‌کند، البته سؤال از رئیس‌جمهور و استیضاح وزرا از ابزارهایی است که امر نظارت را میسر ساخته و از سوی دیگر هیئت‌های رسیدگی به حسن اجرای امور و کمیسیون‌های تخصصی در مجلس به این امر مبادرت می‌ورزند. در یک جمله به تعبیر امام (ره) می‌توان گفت مجلس در رأس امور واقع است^۲ و یا مرکز همه قانون‌ها و قدرتها، مجلس است.^۳

امام (ره) در مجموع بر این بُعد از وظایف مجلس (نظارت) که در بهبودی حکمرانی و کارآمدی بیشتر مؤثر است، توجه عمیق داشته و آن را همواره در بیانات، برنامه‌ها و دستورات به نمایندگان سفارش نموده‌اند و در فرازی از وصیتنامه سیاسی - الهی خویش خطاب به نمایندگان مجلس چنین بیان داشته‌اند:

«از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی، وکالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد».^۴

از دیگر وظایف قوه مقننه تصویب قوانین و مقررات لازم در جهت اداره امور کشور، به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌هاست. زیرا «در اسلام، قانون حکومت می‌کند»^۵ و «حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است».^۶ بر این اساس قوانین و لوایح باید به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۱۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۱۵.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۳۴۷.

۴. وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۸۸، ص ۳۹.

۵. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

۶. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، ص ۳۴.

کشور مرتفع و سیاست‌های زیربنایی در امور فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف به مورد اجرا گذاشته شود.^۱

ایشان در یکی از بیانات خود با اشاره به اهمیت جایگاه مجلس به لزوم توجه به نظر کارشناسان در تصویب قوانین می‌فرمایند: «مجلس محترم شورای اسلامی که در رأس همه نهادهاست، در عین حال که از اشخاص عالم و متفکر و تحصیلکرده برخوردار است، خوب است در موارد لزوم از دوستان متعهد و صاحب‌نظر خود در کمیسیون‌ها دعوت کنند که با برخورد نظرها و افکار، کارها سریع‌تر و محکم‌تر انجام گیرد و از کارشناسان متعهد و متدین در تشخیص موضوعات برای احکام ثانویه اسلام نظرخواهی شود که کارها به نحو شایسته انجام گیرد و این نکته نیز لازم است که تذکر داده شود که رد احکام ثانویه پس از تشخیص موضوع به‌وسیله عرف کارشناس با رد احکام اولیه فرقی ندارد، چون هر دو احکام الله می‌باشند و نیز احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد و پس از رأی مجلس و انفاذ شورای نگهبان، هیچ مقامی حق رد آن را ندارد و دولت در اجرای آن باید بدون هیچ ملاحظه‌ای اقدام کند».^۲

از نظر امام (ره) مجلس شورای اسلامی در کنار وظایف یاد شده، وظیفه برنامه‌ریزی را نیز برعهده دارد. این وظیفه، حکومت اسلامی را با حکومت‌های مشروطه و جمهوری متمایز می‌کند تا جایی که می‌توان گفت در این حکومت به‌جای مجلس قانونگذاری، مجلس برنامه‌ریزی وجود دارد.^۳

۲. شورای نگهبان

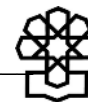
در هیچ‌یک از فصول قانون اساسی به‌صورت مستقل، عنوانی برای شورای نگهبان آورده نشده است. در فصل ششم از مباحث مربوط به قوه مقننه، (اصول نودویکم تا نودونهم قانون اساسی) به تشکیلات و وظایف شورای نگهبان اشاره شده است. به‌علاوه در اصول دیگری نیز به‌طور پراکنده به حدود صلاحیت‌ها و اختیارات نهاد مزبور پرداخته شده است.

در باب ضرورت این نهاد قانونگذاری باید گفت، از آنجا که غالب کشورهای درخصوص مسئله تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی خود دچار مشکل بوده‌اند؛ لذا برای کنترل و انطباق قوانین عادی و مصوبات مجالس مقننه با اصول قانون اساسی و معیارهای ارزش حاکم بر جوامع خود، تعیین مرجع یا مراجعی ذیصلاح را که دارای جایگاه ارزشی مهمتری باشد، ضروری دانسته و اغلب

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۵۰-۵۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۲۱.

۳. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۴۵.



وجود نهاد مرجعی را در قوانین اساسی خود بدان تصریح کرده‌اند.^۱

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که برگرفته شده از احکام و دستورات دین مقدس اسلام است، باید در جهت رعایت اصول اساسی حاکم بر دین مبین اسلام، مرجعی را برای رسیدگی به این امر اختصاص دهد تا با توجه به مقررات و احکام شرع، کنترل لازم را انجام داده و از تصویب و اجرای قوانین مغایر با شرع و شریعت اسلام جلوگیری به عمل آورد.

به این منظور قانون اساسی در اصل نودویکم قانون اساسی می‌گوید: «به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان (با ترکیب مندرج در همین اصل) تشکیل می‌شود».

جایگاه شورای نگهبان علاوه‌بر آنکه شباهت‌هایی با برخی از نهادهای قانونگذاری در کشورهای دیگر دارد، به لحاظ ضرورت مطابقت کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلامی (اصل چهارم قانون اساسی) در ایران اهمیت بیشتری یافته تا جایی که فقدان آن در کنار مجلس قانونگذاری موجب عدم اعتبار مجلس می‌شود. به این ترتیب گرچه نظام پارلمانی جمهوری اسلامی ایران یک‌مجلسی است، اما دو رکنی تلقی می‌شود. یک رکن مربوط به مجلس و نهاد قانونگذاری و رکن دوم، شورای نگهبان است.^۲

یکی از اهداف مورد نظر امام خمینی (ره) در برپایی نهضت اسلامی به‌وجود آوردن نظامی بر مبنای احکام اسلامی بود که ایشان براساس تجربه‌ای که از انحراف انقلاب مشروطه و حذف اسلامیت آن و بروز استبداد رضاخانی داشتند، همواره بر شکلی از شورای نگهبان امروزی که در اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه پیش‌بینی شده بود، تأکید می‌کردند.

ایشان در کتاب کشف‌الاسرار در مورد ضرورت نقش فقها می‌فرمایند: «اگر آن حکومت حق خدایی عادلانه بخواهد تشکیل شود باید مجلس فقها یا به نظارت فقها تشکیل شود و در مجلس قوانین آسمانی طرح شود و در کیفیت عملی آنها بحث شود».^۳

از این رو شورای نگهبان پس از پیروزی انقلاب اسلامی جزء لاینفک قانون اساسی قرار گرفته و مورد حمایت قاطعانه امام خمینی (ره) واقع شده است.

امام خمینی (ره) بعد از ضرورت شکل‌گیری شورای نگهبان به جایگاه این نهاد پرداخته و شورای نگهبان را حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی می‌دانند و تطابق قوانین با احکام ثانویه و اولیه را برعهده این شورا نهاده‌اند.

۱. قاسم شعبانی، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۷۱.

۲. محمد ملک‌زاده، مبانی دینی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۲۲.

۳. امام خمینی (ره)، کشف‌الاسرار، ص ۲۱۳.

ایشان می‌فرمایند: «... شورای نگهبان در نظارت بر قوانینی که می‌گذرد، چه مربوط به مسائلی باشد که تماس با احکام اولیه شرعی دارد یا احکام ثانویه با مراعات همه جوانب نظر دهند».^۱ امام (ره) به جهت حساس بودن نظارت شورای نگهبان بر قوانین، این شورا را از گرفتار شدن در دام واژه‌های ترقی‌خواهانه و به ظاهر زیبا بر حذر می‌دارند و خطاب به اعضای شورای نگهبان، حرکت آینده این شورا را چنین ترسیم می‌نمایند:

«به هیچ‌وجه گوش به حرف عده‌ای که می‌خواهند یک دسته کوچک مردم ما خوششان بیاید و به اصطلاح مترقی هستند، [ندهید] قاطعانه با این‌گونه افکار مبارزه کنید. خدا را در نظر بگیرید. اصولاً آنچه که باید در نظر گرفته شود خداست، نه مردم. اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آنها حرفی می‌زنند که برخلاف حکم قرآن است، بایستید و حرف خدا را بزنید، ولو اینکه تمام بر شما بشورند. انبیا هم همین‌طور عمل می‌کردند؛ مثلاً موسی در مقابل فرعون مگر غیر از این عمل کرد؟ مگر موافقی داشت؟ بحمدالله مجلس ما، مجلسی است اسلامی و قوانین خلاف اسلام تصویب نخواهد شد؛ ولی شما وظیفه دارید ناظر باشید. خلاصه گوش به حرف طبقه مرفه مترقی ندهید. خدا ان‌شاءالله با ماست. اگر عمل‌مان برای خدا باشد، خدا ما را موفق می‌کند».^۲

امام خمینی (ره) در ادامه می‌فرمایند: «آنچه را مجلس شورای اسلامی تصویب نموده و به تأیید شورای نگهبان رسیده، هم شرعی است و هم قانونی می‌باشد»^۳ و «کسانی که با مصوبات مجلس، بعد از اینکه شورای نگهبان نظر خودش را داد باز مخالفت می‌کنند، اینها دانسته یا ندانسته با اسلام مخالفت می‌کنند».^۴

۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام

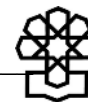
مجمع تشخیص مصلحت نظام، پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مطرح شد. پیش از بازنگری قانون اساسی در هیچ‌یک از اصول قانون اساسی سخنی از این مجمع به میان نیامده است. امام خمینی (ره) برای رفع اشکالات و اختلافاتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به‌وجود آمد و نیز براساس مصالح و ضرورت‌های قابل توجه در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ دستور تشکیل این مجمع را صادر کردند و سرانجام در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ با

۱. همان، ج ۱۵، ص ۲۸۸.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۵۴.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۳۰۳.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۴۱۵.



اختصاص اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام جایگاه قانونی آن را تثبیت کردند.

وظایف و صلاحیت‌های این مجمع عبارتند از: تصویب مصوبات مورد اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، مشاوره در اموری که رهبر به مجمع ارجاع می‌دهد، دخالت در انتخاب یکی از اعضای شورای رهبری در زمان فقدان رهبر و در نهایت نقش مؤثر در بازنگری قانون اساسی.^۱

امام خمینی (ره) در پیام خود در مورد تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌فرماید: «... حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند. از خدای متعال می‌خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمک فرماید».^۲

از این رو نهاد جدیدی در ساختار سیاسی - حقوقی در نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. این نهاد از زمان تأسیس به انجام چند مأموریت اجرایی همت داشته است.

در اولین دوره: مجمع به‌عنوان نهادی در جهت حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان عمل می‌کرد. ویژگی این روش آن بود که در تعیین مصالح واقع‌بینانه‌تر عمل می‌کرد.

در دومین دوره: مجمع برای تأمین مصالح جامعه از ناحیه اختیارات تفویضی توسط ولی فقیه، خود را در قالب تصویب قوانین ابتدایی چون مبارزه با مواد مخدر، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و قانون تعزیرات نشان داد.

دوره سوم: در آذرماه ۱۳۶۷ با ایجاد شک و پرسش در مورد توان قانونگذاری این نهاد، با حذف این اختیار آغاز شد و با اتمام جنگ و تغییر شرایط، دوران بازگشت به کارکرد حل اختلاف آغاز شد.

راهکارهای عمومی قانونگذاری از نظر امام (ره)

۱. تطابق قانون با نیازها و آرمان‌های مردم و جامعه با توجه به مقتضیات زمان و مکان،

۲. برابری قوانین و عادلانه بودن مصوبات مجلس شورای اسلامی برای مردم،

۱. رجوع شود به: اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی، بند «۸»، اصول یکصد و دهم، یکصد و یازدهم و یکصد و هفدهم قانون اساسی.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۶۵.

۳. انسجام قوانین و تطبیق آن با نظام حقوقی اسلام،
۴. توجه به مصالح عمومی، مصالح نظام و اسلام در تصویب قوانین،
۵. رعایت شکلی قانون‌نویسی (جامع و مانع بودن، شمول قانون نسبت به مسائل مستحدثه، روشنی و صراحت، کلی و عمومی بودن و...)،
۶. قابلیت اجرای قوانین در عرصه عمل و امکان نظارت بر حسن اجرای آن،
۷. استمرار و دوام و ثبات قوانین در گذر زمان،
۸. استفاده از تجارب علمی و اجرایی کارشناسان، فقها و متولیان امور کشور،
۹. توجه قانون به لحاظ هزینه، فواید اقتصادی و اجتماعی،
۱۰. رعایت الزامات نظم اجتماعی در تنظیم قوانین کشور،
۱۱. درج ارزش‌های والای انسانی به‌منظور پرورش انسان مذهب،
۱۲. تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مبتنی بر دیدگاه اسلام.

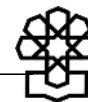
نتیجه‌گیری

قانون، چارچوب حرکت یک جامعه را به سوی اهداف خود تعیین می‌کند. یعنی هر جامعه‌ای به تناسب اهدافی که برای خود ترسیم کرده، اقدام به وضع قوانین جهت دستیابی به آنها می‌کند. از نظر اندیشمندان غربی، امور مادی و دنیوی، غایت اندیشه‌ورزی در باب قانون قرار گرفته و در نتیجه متناسب با این نگرش به وضع قانون پرداخته‌اند. از این‌رو قانون در نظر اندیشمندان غربی آن است که تنها امور دنیا را نظم ببخشد و قانونگذار کسی است که باید آنها و نبایدهایی را جهت نیل به این اهداف مادی وضع کند.

در اسلام، نگاهی فراتر به قانون وجود دارد، نگاهی که انسان با باور به آن باید به سعادت دنیوی و آخروی برسد. اسلام متناسب با این هدف به بیان دستورات و قوانینی متناسب پرداخته است. البته جامعه‌ای که احکام اسلام را راهبر خود به سوی غایت حقیقی پذیرفته، لاجرم باید مثنی و منش خود را بر مبنای آن قرار دهد و از طریق شناخت دقیق اصول و احکام اسلام با مراجعه به قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) عمل کند.

در دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، غیر از خدای متعال هیچ‌کس دیگری شایستگی و حق قانونگذاری را ندارد. زیرا دین اسلام آخرین و کامل‌ترین برنامه و قانون الهی را برای سعادت انسان در بُعد مادی و معنوی ارائه کرده است.

در اسلام، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده است و در فرآیند استنباط احکام مورد توجه و



عنایت قانونگذاران و تصمیم‌سازان قرار می‌گیرد. همچنین در استنباط احکام، مصلحت به‌عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار مد نظر قرار گرفته و در مواردی که پای اخلال در نظام، ایجاد فساد و... به میان آید، مورد توجه قرار می‌گیرد.

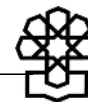
از نظر امام خمینی (ره) قانونگذاری باید مبتنی بر تعالیم و دستورات اسلام باشد که لازمه آن آشنایی با تعالیم و دستورات اسلام جهت برنامه‌ریزی است تا قوانین هرچه بیشتر از کارآمدی لازم برخوردار بوده و در جهت تقویت مشروعیت مؤثر واقع شوند.

از دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد مسئله قانون و قانونگذاری دو نتیجه زیر استنباط می‌شود: یکی بحث «مشروعیت» و دیگری «کارآمدی» است. البته با به فعلیت رسیدن مجلس مورد نظر ایشان به‌عنوان رکن قانونگذار در جمهوری اسلامی، مشروعیت و کارآمدی توأمان به‌دست می‌آید و حاکمیت چارچوب فکری ایشان تداوم می‌یابد.

امام خمینی (ره) با طرح دکترین «جمهوری اسلامی» که به رد و نفی کثرت نظرات و دیدگاه‌ها منجر شد، بر مشروعیت دو پایه‌ای الهی - مردمی تأکید کردند. این دو عنصر به مثابه دو رکن اساسی و محوری، هم در مشروعیت مورد نیاز در تشکیل و تداوم نظام و هم در وضع قوانین، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند که در متن قانون اساسی نیز به منصفه ظهور رسیده است. زیرا به باور امام (ره) در تدوین و تصویب قوانین باید همواره این دو رکن مورد توجه قرار گیرند تا در پی آن قوانینی تصویب شوند که هم مبتنی بر مشروعیت دوگانه الهی - مردمی باشند و هم از کارآیی و کارآمدی لازم برخوردار شوند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی.
۴. اسکروتن، راجر کانت. ترجمه علی پایا، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵.
۵. افتخاری، اصغر. مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴، چاپ اول.
۶. امام خمینی (ره)، الرسائل، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۴۳ هـ.ق.
۷. امام خمینی (ره)، آداب الصلاة (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. امام خمینی (ره)، تقریرات فلسفه، ج ۲.
۹. امام خمینی (ره)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷.
۱۰. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۲۲ جلد.
۱۱. امام خمینی (ره)، طلب و اراده، ترجمه سیداحمد فهری، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۱۲. امام خمینی (ره)، کشف الاسرار، قم، انتشارات مصطفوی، بی‌تا.
۱۳. امام خمینی (ره)، وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۸۸.
۱۴. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱.
۱۵. امام خمینی (ره)، کتاب البیع، ج ۲.
۱۶. تمیمی، رقیه. بررسی مفهوم آزادی و قانون در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، جان لاک و منتسکیو، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶، چاپ اول.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸، چاپ چهارم.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله. حق و تکلیف در اسلام، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۴.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر. لغتنامه دهخدا، ج ۱۱.
۲۰. راسخ، محمد. بنیاد نظری اصطلاح نظام قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴.
۲۱. روسو، ژان ژاک. قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، آگاه، ۱۳۸۰.
۲۲. الزبیدی الحنفی، محمدمرتضی. تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱۸.
۲۳. سیره ابن هشام، مصر، ۱۳۷۵ هـ.ق، ج ۱.
۲۴. شعبانی، قاسم. حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰، چاپ چهل و یکم.
۲۵. شفیعی سروستانی، ابراهیم. فقه و قانونگذاری در اسلام، قم، مؤسسه طه، ۱۳۸۱.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. تفسیرالمیزان ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، جلد دوم.
۲۷. طباطبایی بروجردی، سیدمحمدحسین. البدر الزاهر، تقریرات مباحث آیت‌الله بروجردی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، بی‌تا.
۲۸. عابدینی، آرش. مفهوم مصلحت در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای



اسلامی، شهریورماه ۱۳۹۰.

۲۹. کاتوزیان، ناصر. مبانی حقوق عمومی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷.
۳۰. کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۳.
۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب. اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، بی تا، ج ۷.
۳۲. گرجی، ابوالقاسم. حکومت در اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۳۳. گرجی، ابوالقاسم. مقالات حقوقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، جلد ۲.
۳۴. لسان العرب، ابن منظور. بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۵.
۳۵. لنگرودی، جعفر. مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴.
۳۶. محمصانی، صبحی. فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، چاپ امیرکبیر، ۱۳۸۵، چاپ دوم.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی. حکومت اسلامی و ولایت فقیه، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
۳۹. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶، ج ۶.
۴۰. ملک زاده، محمد. مبانی دینی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
۴۱. منتسکیو، شارل دو. روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۴۲. نخعی، هادی. توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۷۶.
۴۳. نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطبا). فرهنگ نفیسی، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۴۳، ج ۴، ذیل عنوان قانون.
۴۴. نوروزی خیابانی، مهدی. فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
۴۵. نوعی، غلامرضا. مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی، رشت، کتاب مبین، ۱۳۷۹.
۴۶. نویمان، فرانتس. آزادی، قدرت و قانون، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۳.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۸۰۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی مسئله قانون و قانونگذاری (با محوریت اندیشه امام خمینی (ره))

نام گروه: مطالعات بنیادین حکومتی

تهیه و تدوین: آرش عابدینی

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

منتقاضی: ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۱/۲۹